

قیادت و پیروی در میدان دعوت اسلامی

نویسنده: مصطفی مشهور (رح)
مترجم: خلیل احمد جامی

•

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله

﴿رَبَّنَا قَبَلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

دار الترجمة اصلاح تقديم مينمايد

dartarjuma@gmail.com

قیادت و پیروی

در میدان دعوت اسلامی

نویسنده : مصطفی مشهور

مترجم : خلیل احمد جامی

معرفی کتاب

نام کتاب: قيادت و پيروي در ميدان دعوت السلامي

ام عربي کتاب: بين القيادة و الجنديۃ

نويسنده: مصطفى مشهور

مترجم: خليل احمد جامي

تهيه و ديزاين: دار الترجمة اصلاح

شماره چاپ: سوم

تيراژ: سه هزار جلد

تاريخ چاپ: حمل سال 1389 هجري شمسي

ناشر: انتشارات اصلاح افكار بخش نشرات جميعت اصلاح و انكشاف اجتماعي

افغانستان

آدرس: كابل، خوشحال مينه، ساحه الف، عقب بلاكهاي شاداب ظفر

كوچه اصلاح

آدرس انترنتي: Email:eslahmilli@gmail.com

WWW.eslahonline.net

تقدیم :

ترجمه این کتاب را - با کمال خضوع - تقدیم میکنم به محضر
بهترین اسوه آدمیان صلی الله علیه وسلم و به بلندقامتان همیشه
جاوید، شهیدان و به بهترین مجاهدان یعنی دعوتگران . الهی بیذیر
(خلیل احمد جامی)

سخنی از مترجم:

مطالعه و کاربست این اثر، برای تمام حرکت‌های اسلامی که معتقد به کار منظم اند در هر کجا می‌تواند بس ارزنده و سودمند باشد. فکر میکنم مطالعه چنین کتابهایی، به طور اخص برای پیروان جریانهای اسلامی در افغانستان بعد از تجربه تلخ گذشته، ضرورتی حتمی باشد.

نهضت اسلامی افغانستان، در میدان مجاهده و تلاش مستقیم هرگز کم نیاورد، اما آن گاه که باید در جایگاه واقعی خویش قرار میگرفت، از دست یابی به حق مسلم خویش باز ماند و یا باز داشته شد!

این بازماندن عواملی متعدد داشت که در راس آن مشکل مدیریت و بی کیفیتی سیستم رهبری و تبعیت قرار گرفته بود! این معضل اساسی تشکیلات نهضت اسلامی را از پای بست، سست و لرزان نگه داشت و در نهایت نیز، حاصل مجاهدات مردم را به کام دیگران سرازیر

کرد!

اینک که باید برای جبران مافات کاری صورت پذیرد، تجارب مثبت حرکتها و خیزشهای اسلامی در جهان، دستمایه ای بسیار غنیمت برای اسلامگرایان این خطه به شمار می آید. ملاحظه فوق مرا واداشت که به ترجمه این اثر که نام عربی آن (بین القيادة والجنديه على طريق الدعوة) میباشد، همت گمارم. اگر این تلاش بيمقدارم موجب نفعی برای مسلمانان شود، سپاس و حمد اول و آخر آن به پروردگاری تعلق دارد که این قوت و همت را به من ارزانی فرمود. و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.

والسلام

خلیل احمد جامی

مقدمه

احمد الله تبارک و تعالی و استعینه و نستغفره و اتوب الیه و اصلی
 علی رسولنا و قائدنا محمد صلی الله علیه وسلم و علی آله و اصحابه و
 من اهتدی بهدیه و سار علی طریقته الی یوم الدین.
 و بعد: در باره موضوع مأموریت و امارت در اسلام ، رهبری و
 سربازی در اردو و جنگ و جهاد، بسیاری افراد مطالبی نوشته اند که
 من نمیخواهم بدان بیردازم.
 هدف من نوشتن مطلبی است که از خلال تجربه و ممارست
 چندین سائله خود بدان پی برده ام، بحثی راجع به رهبری و امانتهایش
 و سربازی و واجباتش که میبایست در تحت پوشش کار جمعی برای
 اسلام و بر اساس منهج دعوت اسلامی صورت پذیرد.
 از خدای لایزال استدعا دارم به آنچه مینویسم مرا توفیق و
 استواری عنایت فرموده، عاملین میدان دعوت اسلامی «رهبران و
 سربازان» را به وسیله این کوشش محدودی که تقدیم شان میکنم نفع
 برساند. آمین.

واضح است که الله جل جلاله (با ارزانی نمودن بهترین نعمات یعنی نعمت اسلام و هدایت در راه مستقیمش، بر ما منت عظیمی گذاشته است. اما ارادهٔ پروردگار بر این رفت تا نسل های حالیهٔ ما یکی از مشکلترین و دقیقترین مراحل حیات دعوت اسلامی را بعد از آن دریابد که دشمنان خدا بر ضد اسلام و مسلمین به توطئه های خاینانه یی دست زده، در نهایت دولت و خلافت بزرگشان را از میان برداشتند

البته نباید از نظر دور داشت که این تراژیدی درد ناک در واقع پیامد طبیعی دوری مسلمانها از اصل دین و نیز اشتغال کامل آنها به امور دنیوی بود که منجر به ضعف قدرت و شوکت آنها گردید و در نتیجه دشمنان طماع خدا را به طمع اندر ساخته، بر مسلمین و دولت اسلامی کردند هر آنچه کردند!

و اما اکنون: اسلام هرگز راضی نیست که مسلمین تسلیم وضعیت پیش آمده گردند و یا در نفوس خویش احساس ضعف نموده و عقب بنشینند، بلکه اسلام از مسلمانها مصرانه میخواهد تا از این وادی ذلت بار بدر آمده و به پا خیزند، آری به پا خیزند و برای اقامهٔ مجدد خلافت اسلامی و استقرار حاکمیت الله (جل جلاله) در زمین به جهاد مستمر و خستگی ناپذیر بر اساس دستورات والای اسلامی پرداخته و آن رامردانه استمرار بخشند ﴿حَقَّ لَا تَكُونُ فِتْنَةً وَيَكُوناَ الْاٰلِیْنُ كُفُورًا لِلّٰهِ﴾ (تا اینکه فتنه از میان رفته و دین خاص از آن خدا باشد)

آرزوی بزرگ ما اینست که اگر خلافت ما در نیمه قرن چهارده ام هجری سقوط داده شد، اعاده آن به گونه قویتر از گذشته - به اذن الله - قبل از حلول نیمه قرن پانزدهم صورت پذیرد - و ما ذالک علی الله بعزیز - روی این ملحوظ بسیار با اهمیت و قابل توجه است که بدانیم کار و تلاش در جهت تحقق این هدف متعالی از اهم واجبات دینی هر مرد و زن مسلمان به شمار میرود و در صورتی که مسلمین برای استقرار حکومت جهانی اسلام به تلاش و سعی وافیه مبادرت نورزند، مسئول و گنهکار بوده و هرگز در پیشگاه خدا عذری مقبول ندارند، چرا که این دولت وسیله است برای تطبیق نظام الهی در زمین، چنین دولتی است که نوامیس مسلمین را از تعرض دشمنان در امان نگه داشته و علاوه بر سرزمینهای از دست رفته از جمله مسجد الاقصاء، سرزمینهای دیگری را نیز در تحت قیمومیت دین خدا قرار خواهد داد. در این باره عبارات مفیدی از شهید اسلام امام حسن البناء «رح» در رساله الی الشباب موجو د است که ذکر آن در این جا سود مند خواهد بود. در این رساله امام شهید، به توضیح علت توجه اخوان المسلمین به اقامه حکومت اسلامی پرداخته و میگوید: «... و ما میخواهیم تا پرچم اسلام را بار دیگر در آن سرزمینهایی که زمانی با پذیرش اسلام سعادت مند گردیده و مدت های مدیدی را در زیر لوای مقدس آن سپری کرده اند؛ بر افراشته سازیم؛ کشورهای که امروز از

آنها دیگر، صدای مؤذن و تکبیر و تهلیل به گوش نمیرسد و با کمال تأسف بعد از پذیرش اسلام، بار دیگر در ظلمات کفر گرفتار آمده و دچار سیه روزی و پریشان حالی گردیدند.

آری! اندلس (اسپانیا)، صقلیه (سیسل)، بالکان، جنوب ایتالیا و جزایر بحر روم و دو بحر اسلامی احمر و ابیض (دریای سرخ و دریای مدیترانه) تماماً مناطق اسلامی یی است که قبلاً در تحت حاکمیت اسلام قرار داشته و لازم است تا دو باره به دامن اسلام برگردانده شوند.»

بعد از آن میفرماید: «پس از انجام این کار می‌خواهیم تا دعوت مان را به تمام دنیا اعلان نموده و آن را به تمام جهانیان برسانیم، باشد تا با تعمیم آن در آفاق زمین، هر جبار متکبری در برابرش خضوع نموده و فتنه باقی نماند و فقط دین الله (جل جلاله) حاکمیت داشته باشد و پس:

﴿وَيَوْمَئِذٍ يَقَرِّحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ۴ ﴿يَنْصُرِ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ ۵ ﴿

امام البناء بعداً اضافه میکند: «ممکن است عده مردم ناتوان و جبون بعد از شنیدن سخنان ما بگویند که چنین حرفها، اوهام و خیالات کهنه است که اینان در سر می‌پوروند. اما یقیناً این طرز فکر و بینش، همان ضعف و ناتوانی یی است که هرگز اسلام آن را به رسمیت نمی شناسد بلی! این همان سستی یی است که در قلوب امت ما الفا گردیده و بدین وسیله دشمنان ما بر ما تسلط یافته اند و در یک کلام، این همان اثر مهلک و ویرانگر خلای ایمان از قلب هاست که

علت العلل انحطاط و سقوط شمرده میشود. ما باکمال صراحت اعلام میداریم، هر مسلمانی که به این روش و هدف (تلاش برای اقامه حکومت جهانی اسلام) ایمان و اعتقادی نداشته و برای تحقق این آرمان مقدس دست به کار و فعالیتی نزند، از اسلام بهره نبرده و باید دین و مکتب دیگری برایش جستجو کند.»

کار جمعی واجب است

کوشش در جهت تحقق مطالبات اسلام، خصوصاً ضرورت مهم مرحله کنونی آن یعنی اقامه حکومت جهانی اسلام، ایجاب کار منظم جمعی را مینماید، چرا که این هدف بزرگ و متعالی جز از طریق فعالیت همگانی، امکان پذیر نیست.

از آنجاییکه فعالیت برای تحقق این آرمان ارزشمند واجب است و ادای آن را اسلام بر تمام مسلمانها فرض گردانیده، لهذا کار و کوشش همگانی نیز بر اساس قاعده فقهی «ما لایتم الواجب الا به فهو واجب» (هر کاری که تحقق واجب به وسیله آن صورت میپذیرد واجب است.) واجب میگردد.

برعلاوه اسلام نه دینی فردی، بلکه دین امتی واحد، وطنی واحد و پیکری واحد است که دعوت و پیامش برای اجتماع کلمه و عدم تفرقه و تشتت مسلمین طنین انداخته و هشدار میدهد: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾

اگر به سیره نبوی که تطبیق عملی دعوت الی الله به رهبری رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم در آن متبلور گشته است توجه کنیم، در مییابیم که چگونه رسول الله، امت اسلامی را به شکل جماعتی واحد رهبری فرموده و اولین دولت اسلامی را برای آنها بر پا کرده است. بعد از آن متوجه میشویم که خلفای راشدین نیز همان منهج و همان خط سیر را تعقیب نموده اند. نتیجه به دست آمده از این توجه آن است که کار جمعی از آغاز ظهور اسلام مورد توجه و التفات قرار داشته و امری جدید و نو ظهور نیست و دقیقاً بر همین مبناست که شهید اسلام امام حس البناء «رح» ضرورت بر پایی جماعتی را برای تحقق این هدف مقدس (حکومت جهانی اسلام و احیای خلافت اسلامی) احساس نموده و جماعت اخوان المسلمین را تأسیس مینماید، جماعتی که مهمترین هدفش اقامه چنان دولتی بود که توانائی استقرار دین خدا در زمین را داشته باشد. بر همین اساس است که ساحة فعالیت جماعت را تنها به مصر و مصریان محدود نساخته بلکه آن را تنظیم جهانی یی اعلان نمود که محدود به زمان و مکان نیست و تمام مسلمین را به انتظام در خود و فعالیت جهت بر آورده ساختن مسئولیت واجبشان فرامیخواند و چه بسیار میفرمود که: «دعوت ما جز اسلام چیزی دیگری نیست؛ واضح است که اسلام منحصر به مردم و کشوری خاص نبوده، بلکه دینی است برای تمام مردم و ساحة آن تمام جهان را در بر میگیرد.»

داشتن برنامه، رهبری و افراد برای جماعت امری حتمی است:

هر جماعت در صورتی که خواهان تحقق هدفی باشد، نیازمند برنامه واضح، رهبری عالم و افرادی عامل است که بر طبق منهج و پروگرام جماعت خود، به کار و تلاش بپردازند. روی همین ملحوظ امام شهید حسن البناء میگوید:

«وقتی به تاریخ حرکت های ملل مراجعه کنی در خواهی یافت که اساس پیروزی در تمام نهضت ها وجود برنامه مشخص و افرادی است که بر مبنای منهج مورد نظر، بدون احساس خستگی، توقف و یا دلتنگی و امتناع به تلاش و فعالیت میپردازند. برای نمونه میتوان گامها و مراحل ارزنده ای را در نظر گرفت که دعوت اسلامی آنرا در صدر اسلام بر داشته و در پی گذاشت. طوری که میدانیم مسلمانان نخستین کاملاً بر اساس منهج مشخص و محدودی که خداوند متعال برای شان وضع نموده بود حرکت کردند. این برنامه در برهه از زمان دعوتی بود مخفی، سپس مرحله علنی شدن و دفاع از آن فرا رسید، بعداً مرحله هجرت و پرورش قلب های برومند و شخصیت های مستعد

پیش آمد و بعد از آن مرحلهٔ ایجاد پیوند مقدس برادری در میان آنها و غرس نهال ایمان در زمین قلبها به میان آمد و بعد از طی این مراحل متوجه میشویم که دوران مبارزه جدی و احقاق حق از باطل فرا میرسد.»

به همین ترتیب ممکن نیست که جماعتی بدون وجود رهبر بتواند به فعالیت بپردازد، رهبری که به تنظیم امور پرداخته، اهداف و وسایل آن را مشخص نماید و رهبری که امور را پیگیری کند و جماعت عندالزوم برای حل مشکلات به او مراجعه نماید و او در صورت بروز اختلافی به حل آن اقدام میکند. در همین راستا پیروان و افراد جماعت موظف اند به تنفیذ اوامر رهبر خود پرداخته او را پایداری بخشند و احياناً برای ادارهٔ بهتر امور با خیر اندیشی برایش مشورهٔ نیک تقدیم بدارند. علت این کار واضح است، چراکه در هر جماعتی وقتی رهبر آن مورد اطاعت افرادش - در غیر معصیت - قرار نداشته باشد، در واقع فاقد اعتبار قانونی خواهد بود، چرا که اجرای حکم رهبری تضمین نخواهد شد، مگر در صورتی که مجریان حکم در بارهٔ تنفیذ و یا عدم تنفیذ آن آزادی و خودمختاری کامل داشته باشند!

در اخیر بحث برای وضاحت بیشتر این موضوع لازم است تا مثالی را از زندگی معمول طیفی از مردم عرض نمایم: ممکن شنیده باشید که دزدان جهت منظم ساختن کارها و تقسیم مناطق زیر نفوذ خود متفق میگردند و یک نفر را از جمع شان به عنوان رئیس انتخاب نموده و

هرگاه دچار اختلافی شدند به او مراجعه میکنند و حکمش را میپذیرند.

و حال: هرگاه دزدان به اهمیت کار جمعی و انتخاب رهبر باورمند و معتقد اند، چگونه شایسته است آنانیکه بزرگترین رسالت جهانی را به دوش میکشند فاقد جماعتی باشند که از قیادت بر خوردار بوده و افرادش در غیر معصیت از وی اطاعت و پیروی نمایند؟!

در باره رهبری:

رهبر جماعت به مثابه سر برای پیکر به شمار میرود. رهبر است که اهداف را مشخص ساخته و معلومات در نزدش جمع میشود. رهبر کسی است که به تفکر و ارزیابی پرداخته و از توانائی های متخصصین بهره میگیرد، تعلیماتی را صادر و اجرای آن را نظارت و پیگیری میکند و چنین است که کار – به اذن الله – در مجرای اصلی خود به جریان می افتد ، البته باید در نظر داشت به هر پیمانه که رهبر توانا و بیدار بوده و بر مستوای بالاتری از کفایت و درایت قرار داشته باشد، به همان اندازه حرکت و کار و بهره گیری و درستی روند کار نیز عالی و رضایت بخش خواهد بود. اما برعکس به علت ضعف و بیکفایتی رهبر حرکت نیز دچار ضعف و ناتوانی در تحقق اهداف خود خواهد شد.

از آنجاییکه وحدت رمز قوت و نیرومندی است، رهبر نیز رمز وحدت و انتظام صفوف جماعت است. بناءً وی دارای ارزش و جایگاهی

خاص در جماعت بوده روا نیست که فقط به گونهٔ رمزی و سمبولیک مطرح و فاقد هرگونه صلاحیت و فعالیت باشد. البته این در حالی است که رهبر نباید دارای صلاحیت های مطلق و بدون حد و حصر نیز باشد! راجع به روش رهبری دو نظر مختلف و متفاوت موجود است، عده یی آن را فردی میدانند و عده ی دیگر به رهبری جمعی معتقد اند. در هریک از این دو نظر به نقاطی مثبت و منفی و شروط و ضمانتهایی بر میخوریم، اما آنچه که در نظر بسیاری صاحب نظران حرکتها با اهمیت جلوه میکند و جماعت اخوان المسلمین نیز آن را پسندیده، این است که قیادت در فردی تجسم یابد که با خود مجموعهٔ از هیأت رهبری را همراه داشته باشد البته به اضافهٔ شورای عمومی که تعداد آنها را معین و روی شروط و مواصفات خاص اعضای آن به صورت دسته جمعی تصمیم میگیرند و همچنین این شورا کارهای جمعی را نیز سازمان بخشیده، لوايح خاص را جهت ادارهٔ بهتر امور در نظر گرفته و تنظیم مینماید.

البته این مورد بسیار قابل توجه است که بدانیم وقتی از رهبری و امانتهایش صحبت میکنیم، تنها قیادت در سطح بالای جماعت را در نظر نداشته بلکه هر فرد دارای موقعیت و مسئولیت در تمام ساحةٔ جماعت مورد توجه ماست و گزاف نیست اگر بگوییم، هر فرد جماعت در سنگری قرار دارد که مسئول حراست از آن بوده و بدین گونه با قیادت عامه در انجام مسئولیت هایش سهیم و شریک میباشد.

مورد قابل توجه دیگر اینست که کارها در جماعت ما به طور کلی مسئولیتها و امانتهاست که فقط به تناسب اهمیت جایگاه از هم متفاوت اند، لهذا بایسته است هنگام انتخاب مسئولین، بدون هیچگونه مجامله و رویینی به جستجو پرداخته و دقت لازم را در گزینش بهترین فرد به خرج دهیم، حدیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ما را در این باره به خوبی رهنمایی میفرماید:

« من استعمل رجلاً من عصابة وفي تلك العصابة من هو أَرْضَى الله منه فقد خان الله وخان رسوله وخان المؤمنين »¹

ترجمه: هر گاه شخصی فردی را به کاری گمارد در حالیکه در میان مردم بهتر از وی کسی موجود باشد در واقع چنین شخصی با این انتخابش به خدا و پیامبر و مومنین خیانت کرده است.

و نیز توجه فرمایید به توجیه پیامبر صلی الله علیه وسلم در موردی که نباید ولایت و امارت را به کسی سپرد که خواهان آن است:

« عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا وَرَجُلَانِ مِنْ قَوْمِي فَقَالَ أَحَدُ الرَّجُلَيْنِ أَمَرْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَقَالَ الْآخَرُ مِثْلَهُ فَقَالَ إِنَّا لَا نُؤَلِّي هَذَا مَنْ سَأَلَهُ وَلَا مَنْ حَرَصَ عَلَيْهِ »²

1- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - (16) / عن ابن عباس (345)

1- صحیح البخاری - (60 / 22)

ترجمه: جناب ابو موسی میگوید: من با دو نفر از پسر عمو هایم به نزد رسول خدا رفتم. آنها به پیامبر گفتند که ما را به کاری گمار (به ما امارتی بده) رسول خدا فرمود: قسم به خدا هرگز کسی را که خواهان امارت باشد و بر آن اشتیاق ورزد به این کار نخواهم گماشت.

حقیقت این است که جایگاه رهبری در جماعت ما مانند سایر مناصب دنیوی در حکومتها و مؤسسات نیست که انسان برای کسب جاه، مال، سلطه و غیره بدان طمع بندد، بلکه رهبری در نزد ما مسئولیت و امانتی است که در روز رستاخیز حساب آن گرفته شده و در صورتی که حقش ادا نگردیده باشد، نتیجه جز حسرت و ندامت در پی نخواهد داشت.

پس در جماعت ما مجالی برای چنگ انداختن هیچ کس به جایگاه رهبری نبوده و در صورتی که سپردن قیادت به شخصی مناسبتر مصلحت باشد، فرد سبکدوش شده، نه تنها که اندوهگین نمیشود و دچار هیچگونه تغییر و تحولی نمیگردد بلکه به خاطر رفع مسئولیت از وی سپاس و شکران الهی را نیز به جای میآورد. در تاریخ درخشان اسلام می بینیم که جناب سیف الله (خالد بن ولید) با جریان عزلش با چه سلوک و رویه نیک برخورد کرد و عملاً التزام و اخلاص خویش را نسبت به اسلام با کمال شایستگی به اثبات رسانید.

راجع به منزلت رهبر در جماعت ما امام شهید حسن البنا - رحمه الله

علیه - میگوید:

«در دعوت اخوان المسلمین رهبر به منزله پدر در رابطه قلبی، استاد در افاده علمی، مرشد و پیر در تربیه روحی و قائد و امیر در تعیین خط مشی عمومی دعوت است؛ آری! دعوت ما در بر گیرنده تمام معانی فوق است.»

و در اخیر باید متذکر شویم، احترامی که اسلام آن را راجع به رهبر مورد تأکید قرار داده است، فقط برای شخصیت رهبر نیست بلکه چون رهبر رمز چنان جماعتی است که برای هدایت تمام بشر پرچم اسلام را بر دوش میکشد، لهذا هرگونه کاستن از حیثیت و اعتبار جایگاه رهبری، بر وحدت و قوت جماعت ما تاثیر منفی را به جای خواهد گذاشت.

سربازان دعوت:

در حقیقت تمام مسلمانان لشکریان اسلام و دعوت اسلامی به شمار میروند. هر مسلمان باید دارای اوصاف، ارزش ها، تصورات و اخلاقیاتی بر گرفته از قرآن و سنت نبوی باشد تا بتواند به عنوان عنصری فعال، نافع و مثمر، ضامن و نگهبان کبان امت و دولت اسلامی باشد.

از آن جاییکه حرکت ما وظیفه تحقق بزرگترین رسالت در پهنه حیات (اعلاي کلمةالله) را به عهده دارد، لزوماً افراد زیر پرچم خود را مردان دعوت و سپاهیان عقیده بار می آورد و در راه افزایش مقومات اساسی یی که به ایشان اهلیت و شایستگی لازم را در این راه میبخشد، تلاش جدی به عمل میآورد. البته توجه خاص به مرحله

حساس و مهم کنونی که در حقیقت اساس و زیر بنایی متین دولت آینده اسلام میباشد از جمله اهم وظایف امروز دعوت ما محسوب میگردد چرا که وقتی ما به سیره مبارک رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم مراجعه کنیم درمی یابیم که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم طوری مسلمین اول را از خوان قرآن و مدرسه با فیض خویش مستفید فرمودند که در آغازین مرحله همانها، به منزله ستونهای قوی و محکم، بنای عظیم حکومت اسلامی را بر دوش کشیدند؛ بعداً پیامبر الهی با ایجاد پیوند عقیدتی در میان شان برادری افکند و بدین وسیله زیربنای دولت اسلامی را محکم و بهم پیوسته ساخت و سپس برای جهاد و دفاع از دعوت حق و دوری موانع از مسیر پیشرفت آن به سوی کافه عالم، شخصاً به رهبری خردمندانۀ آنان همت گماشت، تا اینکه نهایتاً به وسیله ایشان برقراری دین خدا درعهد نبوی و سپس در زمان خلفای راشدین متحقق گشت.

و الحال دقیقاً در راستای منهج فوق الذکر است که امام شهید حسن البناء - ر- اسلوبها و برنامه های را از سیره نبی اکرم صلی الله علیه وسلم اقتباس نموده راهی را برای آماده سازی افراد جماعت ترسیم کرد و آن را به سه مرحله: تعریف، تکوین و تنفیذ دسته بندی نمود.

وی اوصاف و امتیاز مؤمن خوب و مطلوب را چنین بر میشمارد که او شخصی است باعقیده سالم وعبادتی صحیح، دارای متانت اخلاقی و

ثقافت فکری که قوی البینه، نفع رسان و قادر بر کسب و کار است، در کارها منظم، در وقت خود حریص و با خواهشات نفسانی اش مجاهد میباشد، به اضافه صفات مثبت دیگر.

به همین ترتیب امام البناء وسایل و امکاناتی جهت مساعدت در کسب آماده گیها از قبیل دروس، اسره ها، کتیبه ها، رحله ها، اردوهای مؤقت عسکری، جواله ها، باشگاه های ورزشی و غیره را نیز در نظر گرفت و همچنین برای التزام و پایبندی برادران به عهد و واجباتشان، ارکان ده گانه بیعت، وظایف برادر عامل، وصایای ده گانه و غیره را مشخص و معین نمود.

آنچه گذشت اهمیت سپاهیگری در جماعت را برای ما واضح میسازد، اهمیتی که ارزش آن کمتر از رهبری و جایگاه آن نمیباشد، چراکه رهبر نیرومند نمیتواند به وسیله سپاهیان ضعیف و بیکفایت به اهداف بزرگ خود نایل گردد، اما برعکس سپاه قدرتمند در صورت تشخیص نا توانی رهبر، میتواند فوراً به تعویض آن مبادرت ورزیده و فردی شایسته را برای اداره امور خود برگزیند.

امام شهید - رحمه الله - راجع به لزوم آماده گی مردان واجد شرایط برای پذیرش مسؤولیتهای حرکت در این اوضاع دشوار چه زیبا گفته است:

«برای ملتی که در وضعی چون وضعیت ما قرار گرفته و به خاطر

ادای مسؤلیتی چون مسؤلیت ما به پا خاسته و با وجایی مانند وجایب ما رو بپروست، فقط تسلی بودن به تسکین دهنده ها و تعلل ورزی به علت موجودیت آمال و آروزها، کافی نیست، بلکه باید خود را برای مبارزه طولانی و مشکل که میان حق و باطل، خیر و شر، محق و غاصب و رونده و قاطع طریق بر پا میشود آماده نماید، مبارزه ای که در یک جانب انسانهای غیور و مخلص و در جانب دیگرش مدعیانی متغلب و خاین قرار گرفته اند. آری! مسلمانان باید بدانند که واژه (جهاد) بر گرفته از (جهد) میباشد که مفهوم آن تحمل سختیها و مشکلات است. پس هرگز با جهاد راحتی و آسوده گی همراه شده نمیتواند، مگر زمانی که جنگ متوقف گردیده باشد و در آن هنگام اگر کسی به منزل رسیده باشد مورد ستایش قرار خواهد گرفت!

البته باید توجه داشته باشیم که در این مصاف سنگین و سهمگین، برای امت اسلامی امکانات و وسایلی جز نفسی مؤمن و مطمئن، عزمی استوار و راستین و آماده گی کامل برای پذیرش قربانیها و اقدام دلاورانه در هنگام مصائب، وجود ندارد و در صورت عدم چنین آماده گی ای است که امت ما دچار شکست گردیده و همچنین سستی و بیحالی قرین فرزندان وی خواهد بود.

مسؤلیت بزرگ و امانت سنگین رهبر:

اصولاً پذیرش هر نوع قیادت به معنای پذیرفتن مسؤلیتها و امانات است؛ نه به مفهوم کسب ابهت و یا برقراری تشریفات، و اما قبول

رهبری در میدان دعوت اسلامی، ادای بزرگترین مسوولیتها و ثقیلترین امانتهاست، چراکه رهبر، اینجا در چنان میدان وسیع و با اهمیتی مشغول مبارزه است که مردم به خاطر آن آفریده شده اند. این میدان، میدان دینی است که خداوند جل جلاله آن را برای بندگانش پسندیده است.

آری! رهبری در این عرصه امریست که نتایج مهم و سرنوشت سازی در دنیا و آخرت بر آن مرتب میگردد و خداوند که از هر امیری درمورد رعیتش بازخواست میفرماید، با مقام رهبری نیز در فردای رستاخیز محاسبه مثقال ذره را به عمل خواهد آورد. البته مسوولیتهای قائد به موازات گسترش ساحة عمل و فعالیت وی و ازدیاد افراد زیر پرچمش روز به روز افزایش یافته و سنگین تر میشود.

و حال به ذکر بعضی از احادیثی میپردازیم که مسوولیتها و امانات

رهبر را برای ما واضح میسازد:

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَّةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ قَالَ وَحَسِبْتُ أَنَّ قَدْ قَالَ وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي مَالِ أَبِيهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَكُلُّكُمْ رَاعٍ

وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۱

ترجمه: جناب ابن عمر میگوید: شنیدم که رسول الله ﷺ میفرمایند: تمام شما مسؤولید و در مورد رعیت (افراد زیر تکفل) خود مورد بازخواست قرار میگیرید. امام در باره رعیتش مورد سوال قرار میگیرد، و مرد در میان خانواده اش مسؤول بوده و در باره آنها مورد سوال قرار میگیرد، زن در خانه شوهرش مسؤول میباشد و در باره رعیتش جوابگو است، خادم در مورد مال بادرش مسؤول است و مورد محاسبه قرار خواهد گرفت و خلاصه تمام شما مسؤول و در مورد رعیت خود بازپرسی خواهید شد.

در حدیث دیگری آمده است:

« مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ »^۲

ترجمه: از ابی یعلیٰ معقل بن یسار روایت شده که گفت از رسول الله ﷺ شنیدم که میفرمود: کسی که خداوند او را بر مردم حاکم ساخته و او به آنها خیانت میورزد یقیناً وقتی که میمیرد خداوند جنت را بر او حرام میسازد.

و در روایتی از ابوذر ۷ منقول است که:

1- صحیح البخاری - (3 / 414) عن عبدالله بن عمر

2- متفق علیه عن معقل بن یسار المزنی

« عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا تَسْتَعْمِلُنِي قَالَ فَضْرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكِبِي ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ ضَعِيفٌ وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَزِيٌّ وَنَدَامَةٌ إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا»¹

ترجمه: از ابوذر غفاری ۷ روایت است که گفت: به پیامبر گفتم یا رسول الله! مرا به کاری گمار (امارتی ده) ، رسول خدا صلی الله علیه وسلم با دست به سینه ام زده فرمودند: ای اباذر تو ضعیفی و این امانتی است که در روز قیامت جز با رسوایی و ندامت را در پی ندارد؛ مگر آنکس که آنرا به حقش گرفته و حقوقش را ادا کرده بتواند.

بلی ! قیادت در جماعت به عللی که بعضی از آنها را ذیلاً ذکر میکنم دارای پیامدها و امانتهای سنگینی است و برای افراد و رهبر ضروریست که این مهم را درک نموده و در جهت حمل آن با یکدیگر همکاری و مساعدت نمایند:

• پیامدهای قیادت بدان علت مهم و بزرگ است که میدان عمل وسیع و فروع آن متعدد میباشد. چنانکه میدانیم اسلام دینی شامل و کامل است که تمام شئون زنده گی فرد و اجتماع و دولت را در بر گرفته و مسلمین مکلف به پیاده ساختن آن در تمام میادین زنده گی خود هستند.

- بدان علت مسؤولیت رهبری سنگین است که اهداف ما از عظمتی خاص برخوردار اند به این مفهوم که بعد از هدف اصلی ما که کسب رضای الله جل جلاله میباشد، هدف دیگری قرار دارد و آن برقراری دین خدا در زمین به وسیله اقامه خلافت اسلامی است.
- عظمت مسؤولیت رهبر به خاطر توسعه مستمر فعالیت اسلامی به گونه ایست که ممکن به زودی تمام ساحه جهان را در بر بگیرد.
- مسولیت قیادت به علتی بزرگ است که هر روز به حجم جدیدالشمولانی که با سویه های مختلف به حرکت می پیوندند افزوده میگردد و رهبر مسؤولیت جا به جایی شانرا به عهده دارد و همچنین رسیدگی به آن عده از کسانی که دعوت به آنها رسیده و نیاز به تربیه و آماده گی دارند نیز وظیفه رهبر میباشد طوریکه وی مؤظف به رساندن پیام دعوت به آنانی است که تا به حال مسبوق نگردیده اند.
- و رهبری از آن جهت کار عظیمی را به عهده دارد که در قسمت توجیه تمام افراد جماعت مسؤولیت دارد و باید زمینه کار و فعالیت در میدان دعوت را برای تمام آنها مساعد سازد و نیز برای استفاده نیکو و مؤثر از توانمندیها، اوقات، مساعی و علم و به صورت کل از تمام استعدادهای شان در میدان کار اسلامی، رهبر مسؤولیت تامی را به عهده دارد.
- و ثقل امانات قیادت بدان علت است که نتایج به دست آمده از اثر تحقق اهداف جماعت ما، فوق العاده بزرگ است، به گونه ای که - به

اذن الله - در آینده دارای امتداد افقی در ساحه جهانی و امتداد عمودی تا رسیدن به تمام نسل های آینده بشر خواهد بود.

• و بدان علت امانت رهبری در جماعت ما بزرگ است که امروز در جهان اسلام، حرکتها و قضایای جدی و به هم پیوسته ای موجود است که هر یک نیاز به جد و جهد و بذل قربانی فراوان دارد، اغفال و اهمال نسبت به هیچ یک از آنها روا نیست و میبایست تا حد ممکن با آنها معاونت و همکاری صورت گیرد.

البته این در حالی است که ما در حد یک دعوت، امکانات محدودی را در اختیار داریم و بر علاوه حرکت ما با فشارها و محرومیت های فراوانی نیز مواجه است -

• همچنین ثقل امانت رهبری به علت توجه مسلمین در ساحه اسلامی به حرکت ما میباشد، چرا که این حرکت در واقع امیدی است که آرزوی نجات از این همه تجاوزات و قتل و غارت های بیشمارانه دشمنان را در قلوب مسلمین پرورانده و همین امر بر جماعت ما لازم میگرداند که تمام سعی و تلاش خود را به کمال شایستگی برای تحقق آن اهداف و آرزومندیها به کار بندد.

• و عظمت مسئولیت رهبری به دلیل طولانی بودن مسیر دعوت است که توأم با سختیها و لغزشها و پیچ و خمهای فراوانی میباشد. این حالات، اخذ تدبیرهای حکیمانه رهبر جهت حمایه صفوف، ترویج

روح صبر و مصابره، ایجاد آمادگی طولانی، مجاهدت و برانگیختن همتها را اقتضا مینماید، تا بدین وسیله حرکت از موانع و انحراف بر کنار ماند و سلامتی صف و درستی فکر تضمین شود.

• و به این لحاظ امانت قیادت در جماعت ما بزرگ است که حرکت ما با امواج سهمگین حملات دشمنان خدا در شرق و غرب جهان و عاملین شان در کشور های اسلامی مواجه می باشد.

بلی! سعی تمام آنها بر این است که حرکت ما را با استفاده از تمامی امکانات و وسایل دست داشته خود، به تعویق انداخته و حتی از میان بردارند. آنان پس از اینکه حرکت بیداری اسلامی را در میدان مشاهده کرده و توان مقاومت آن را در برابر خود عملاً احساس نمودند؛ پرچم جنگ و مکاید شیطانی خود را به صورت علنی بر ضد اسلام و مسلمین و خاصاً جماعت ما بر افراشته ساختند، البته ما علی الرغم تمام این مشکلات اطمینان داریم که اگر در این راه استقامت ورزیم و از خداوند استعانت جوییم، دشمنان ما هرگز نمیتوانند در برابر حرکت اسلامی ما ایستاده گی و مقاومت نمایند.

• کار دیگری که انجام آن از قیادت انتظار برده میشود این است که او حرکت جمعی را در راه دعوت با توجه به التزام آن به قرآن و سنت پیامبر بدون کدام افراط و تفریط به پیش ببرد. همچنین از رهبر انتظار میرود که به پرورش تجارب و خبره گیهای به دست آمده جماعت پرداخته و آن را بدون کم و کاست در اختیار نسل های آینده

دعوت قرار دهد و نیز اندوخته های با ارزشی را که برای عاملین میدان مبارزه اسلامی (افراد و جماعت) ذخیره شده است محافظت و پاسداری کند و در جهت ازدیاد آن بکوشد.

و در اخیر امانات رهبری نظر به اقتضای طبیعت مرحله کنونی دعوت و امت اسلامی ما بسیار وزین و با اهمیت است، به گونه ای که این همه خطرات فراگیر و همه جانبه بر دعوت اسلامی و همچنین عقب ماندگی، ضعف، تفرقه، جهل و فقری که امروز دامنگیر امت اسلامی ما میباشد، در حقیقت همه پیامد جنگ های مختلف عسکری، اقتصادی، فرهنگی و الحادی تباه کنی است که به اشکال گوناگون بر این امت تحمیل گردیده است؛ لذا طبیعی است که ما موظف به نابودی تمام این عوامل منفی متراکم و پی افگندن بنایی استوار و متین هستیم. راجع به این مطلب به نقل سخنانی از امام حسن البنا می پردازیم که میگوید:

«مقدر آن بود تا ما در میان چنان نسلی رشد نماییم که ملت های دیگر بر سر قاپیدن آن به رقابت پردازند و نیز در وضعیتی به سر بریم که تنازع بقا در آن، شدید ترین تنازع به شمار رفته و پیروزی دایمی از آن کسی است که قدرت و قوت زیادتری به بازو داشته باشد. در چنین حالتی مقدر بود که ما با اشتباهات گذشتگان مان مواجه گردیم، تلخی آن را بجشیم و سپس جهت رهایی خود و فرزندان خود

و استرداد عزت و احیای تمدن و تعالیم دینی مان، بپا خاسته ، شگاف ها را وصله و کاستی ها را جبران نماییم.

این اوضاع ما را بیباکانه در بلوای دوره انتقال فرو برده است. طوری که میدانیم امروز تندبادهای فکری، طوفانهای روحی و تمایلات شخصی، افراد، امت ها حکومت ها و خلاصه تمام عالم را طوری به بازی گرفته است که افکار را متلاشی و نفوس را مضطرب ساخته و انسان چون ناخدای سرگشته و متحیر، در حالیکه علامتها بروی مشتبه و تابلو ها نیز از میان رفته است؛ در وسط این آشوب ایستاده و راه میجوید و این در حالیکه در سر هر راه کسی ایستاده است و در این شب دیجور و حشت انگیزی که تاریکی بالای تاریکی قرار گرفته است؛ او را به جانب خود میخواند.

بلی! و ما در چنین عصر متلاطمی که باید آن را عصر آشفستگی نفوس ملتها نامید، به پا خاسته و برای رهایی امت خود از خطراتی که آن را از هر سو احاطه کرده است، دست به کار شدیم.

این بود مطالبی در باره اهمیت و ثقل امانت رهبری، امید که توانسته باشیم اهمیت این مسؤولیت بزرگ رهبران و سربازان را تا حدی واضح و مشخص سازیم ، باشد تا همه ما خود را - ان شاء الله - به تناسب حجم این مهم ، آماده خدمتگزار نماییم.

و حال می پردازیم به ذکر امور و اسبابی که قیادت را در امر قیام به ادای این امانات و مسؤولیت ها معاونت و یاری میرساند والله المستعان.

عوامل موثر برای ادای مسؤلیت های رهبری

در صفحات گذشته به عظمت و اهمیت امانات رهبری در جماعت ما اشاره شد. حال به شرح بعضی از اموری میپردازیم که مراعات آنها برای مسؤلین لازم بوده و در کارشان - اگر خدا بخواهد - کمک با ارزشی محسوب خواهد شد.

البته لازم به ذکر است که راجع به انجام این امور یا ملاحظات ، نظر ما کاملاً منبعث از منبع ایمانی ماست که معتقدیم تحقق امور وابسته به اراده خداوند جل جلاله می باشد و ما به هر پیمانه از قدرت و کفایت شخصی هم که قرار داشته باشیم؛ هرگز بدون توفیق الله جل جلاله کاری را انجام داده نمیتوانیم ؛ لهذا هیچ کاری آسان نیست مگر که خدایش آسان سازد.

اول : از واجب ترین اموری که باید مسؤل به آن سخت پایبندی داشته باشد؛ اخلاص و صداقت برای خداوند است ، التزام به این دو موجب جلب توفیق الهی برای وی گشته و باعث تجمع افرادی مخلص

و صادق در اطرافش می‌گردد؛ افرادی که در کنارش ایستاده و باکمال اخلاصمندی به یاری او مبادرت می‌ورزند. اما اگر به اخلاص مسؤل ریا، حب خودنمایی و زعامت و غیره مخلوط گردید؛ علاوه بر عدم یاری خداوند و عدم همکاری انسانهای مخلص و صادق با وی، اعمال حسنه اش نیز - العیاذ بالله - در معرض حبیطه قرار خواهد گرفت!

دوم: یاری جستن از الله در تمام احوال و مداومت بر امیدواری و پناه بردن به ذات اقدس الهی در هنگام مواجهه با سختیها و مشکلات است، به همین ترتیب احتراز از این گمان که پیروزی در امور فقط به کفایت، قدرت و برنامه ریزی ما مربوط میشود نیز ضروریست. البته واضح است که موارد بر شمرده شده و سیله و اسباب به شمار رفته و تمام امور درید بلاکیف رب العالمین قرار دارد.

چهارم: داشتن احساس مسؤلیت عمیق نسبت به امانتهای رهبری، امری است که رهبر و مسؤل را به تحرک و تسلط بر امور و امیدارد و به او زیرکی و جدیت کامل در کارها را عطا نموده و روحیه فداکاری و مجاهده برای قیام در برابر مشکلات را در وی ایجاد مینماید و همچنین او را در قسمت تهیه امکانات و استفاده از پدیده های نو به نفع دعوت آماده نگه میدارد.

اما اگر رهبر نسبت به امانت قیادت احساس مسؤلیت کمتری داشته باشد؛ در آن صورت همت وی در ادای بهتر مسؤلیتها به تدریج نابود میشود و دیگر تهیه وسایل جدید هم برایش کاری از پیش برده

نمیتواند.

پنجم : اهتمام قیادت به موضوع با اهمیت تربیه و آماده سازی مردان بزرگ و تلاش برای جا به جایی ایمان قوی در قلوب آنهاست؛ ایمانی که تهدابی محکم و استوار در بنای شخصیت افراد به شمار رفته و به وسیله آن وعده پروردگار یعنی پایداری، تائید و نصرت و تمکین تحقق مییابد.

اهتمام به تربیت، باعث به میدان آمدن افراد مناسبی میگردد که توان حمل مسؤولیتها را داشته و میتوانند قسمتی از گرانباری های قیادت را در فضایی از محبت و تعاون ، به دور از مشکل تراشی و خلاف ورزی بر دوش خویش حمل نمایند. ششم : از جمله عواملی که رهبری را در پیشبرد اموراتش کمک فراوان میکند، رشد معانی محبت و اخوت فی سبیل الله به صورت عموم در بین تمام افراد و به طور خاص میان افراد و قیادت است. این کار باعث بر قراری فضای تفاهم، شورا ، تعاون و پیروزی بر مشکلات میگردد.

اما در صورت عدم وفور حب فی الله زمینه های بروز اختلافات و از میان رفتن جو تعاون مساعد گشته و فشار زیادی را بر دوش رهبری وارد خواهد کرد.

هفتم : آن است که رهبری به برنامه ریزی، مشخص کردن اهداف و مراحل و آماده سازی امکانات و وسایل همت گمارد و در واگذاری

کارها و امورات مهم به افراد متخصص و با کفایت، توجه جدی مبذول دارد و علاوه بر آن به وضع مقررات و لوایحی اقدام کند که متضمن روند درست کار و حسن ادای آن باشد و همچنین رهبر مؤظف است نحوه اجرای امور را به خاطر تنفیذ، انتظام و حرکت در مسیر اصلی و نیز رفع موانع آن، نظارتی دقیق نماید.

هشتم : اینکه تمام مسئولین و حتی مجموع افراد جماعت، ثقل امانت رهبری و ضرورت معاونت با او را برای ادا و پیشبرد بهتر اموراتش درک کنند، این احساس، هر فرد و مسئول را بر می انگیزد تا در جایگاه خود از سنگرس محافظت نماید و به ادای وظایفش بپردازد و احیاناً برای کمک در ادای بهتر مسئولیتهای قیادت، به تقدیم نصیحت و پیشنهادات ابتکاری خود به او در فضایی مملو از اخوت و محبت و تقدیر اقدام نماید.

نهم : رهبری باید توجه جدی خود را برای برانگیختن امید، همت و عزایم افراد مبذول دارد و تمام آن مفاهیمی که امیدواری افراد به از میان رفتن مشکلات از مسیر دعوت را تقویت مینماید؛ زنده نگه دارد. برای دستیابی به این مهم، یاد آوری عوامل پیروزی بی که امام حسن البناء آن را ذکر نموده بسیار سودمند است . از جمله عواملی که در برابر آن هیچ مشکلی را یارای مقاومت نیست یکی قوت و توانمندی دعوت است. دعوت ما دعوتیست خدایی و بدین جهت هیچ حرکتی با آن همسری کرده نمیتواند.

بلی! تمام جهان نیازمند آن بوده و جایگاه آن به شمار می‌رود و همچنین زمینه‌های نفوذ آن در همهٔ عالم به مشاهده می‌رسد. و از آن جاییکه ما به لطف الهی از هر گونه مطامع شخصی بری هستیم و جز به حصول رضای الله جل جلاله و خیر مردم به چیز دیگری نمی‌اندیشیم؛ یقیناً در انتظار تأیید و نصرت از جانب پروردگار خود نیز به سر می‌بریم «و من نصره الله فلا غالب له»

دهم: این بحث را با ذکر معانی مهمی که امام حسن البناء در این باره بیان کرده است به پایان می‌بریم:

«همیشه و در هر مناسبتی برای اخوان گفته و می‌گویم که شما هرگز به علت کمی عدد، ضعف و کمبود وسایل و نیز کثرت دشمنان تان شکست نمی‌خورید و نه هم تجمع دشمن به شما می‌تواند تاثیری منفی در پی داشته باشد. اگر تمام جهانیان به نابودیتان کمر بستند؛ اما هرگز جز آن چه که خدا خواسته به شما ضرری رسانده نمی‌توانند. اما شکست شما زمانی فرا رسیده و راه‌های نصرت الهی را بر شما مسدود خواهد ساخت که قلوب شما فاسد، کلمهٔ تان پراکنده و آراء شما مختلف گردد. و در آن صورت خداوند اعمال شما را هرگز اصلاح نمی‌سازد.

ولی تا آن گاه که شما همانند قلبی واحد در راه طاعت خدا و کسب رضای وی بر اساس منهج الهی در حرکت باشید؛ هرگز سست و اندوهناک نشوید چراکه:

﴿وَأَشْرُوا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُكُمْ اللَّهُ وَلَنْ تَكُونَ أَعْمَالُكُمْ﴾ محمد: ۳۵

(و شما برترید و خدا با شماست و هرگز اعمال شما را ضایع

نمیسازد.)

صفات لازم برای رهبران و مسئولین

رهبر و یا مسئول، هر کاری را که به صورت عملی یا قولی انجام بدهد؛ رمز و الگوی جماعت محسوب میشود و بدین لحاظ عموم مردم و خاصاً دشمنان طوری او را می پابند که گوی در زیر ذره بین قرار گرفته است.

به همین علت و نیز به دلیل اهمیت کار جمعی در میدان دعوت و سر نوشت ساز بودن نتایج آن، تقویه و ازدیاد اخلاق و صفات اساسی برای متولیان قیادت و مسئولیت در جماعت ما بدیهی و لازمی به شمار میرود.

از آنجائیکه زعیم ما در طریق زنده گی و خصوصاً در راه دعوت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم میباشند؛ بناءً بر هر رهبر و مسؤولی است تا نبی اکرم را مثل اعلی و الگو و مقتدای خویش قرار دهد و در مسیر دعوت، اخلاق و خصوصیات و طرز معامله و نگرش آن گرامی را سر لوحه و سر مشق خود بسازد.

اینک میپردازیم به ذکر بعضی از صفات و خصوصیات اخلاقی یی که میبایست رهبران و مسئولین ما به آن ملتزم بوده و خویشتن را بدان آراسته سازند

1 - اخلاص : رهبر و مسئول باید شخصی طالب آخرت، مخلص و خدانگر بوده و صاحب قلبی سلیم و پاک از چنان امراض معنوی یی باشد که موجب حبطه اعمال حسنه انسان میگردند؛ امراضی چون ربا، حب جاه و منصب، حب زعامت، غرور و غیره.

2- حکمت : رهبر باید دارای عقلی برتر، حکمت، تجربه و اطلاعی وسیع و بهتر باشد؛ بر احاطه امور قدرت بر فهم آن سرعت و بر حسن انجامش کفایت داشته باشد. رهبر در مواقع بر افروختگی و عصبانیت نباید دچار فراموشی یا انغلاق و انسداد فکری گردد چرا که بسا موارد در اوضاعی متغیر حالات و قضایایی در جماعت پیش می آید که باعث بر انگیخته گی شده و در چنین حالتی برای رهبر چاره ای جز اتخاذ تصامیمی حکیمانه و عاقلانه در قبال آن وجود ندارد.

3 - خویشتنداری: قائد و مسئول باید متخلق به حلم و خویشتن داری، مهربانی و نرم مزاجی باشد.

شخص مسئول با اصناف گوناگون مردم بر خورد میکند که عده از آنان یا احمقند و یا جاهل؛ لهذا ایجاب چنین وضعیتی استفاده از حلم و خویشتنداری است، این کار یا به اصلاح و مهار آنان منجر خواهد شد و یا حد اقل از دشمنی و بد بینی شان نسبت به دعوت جلوگیری خواهد نمود. خداوند متعال با چه لحن زیبایی پیامبرش را در این باره مورد خطاب قرار میدهد و توصیه میفرماید:

﴿فِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ

فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ﴿١٥٩﴾ آل عمران: ۱۵۹ ترجمه: (و به سبب رحمت پروردگارت با آنان نرمش نموده و اگر تو خشک و سنگدل میبودی یارانت از اطرافت پراکنده میشدند پس از ایشان در گذر و برای آنان از خداوند آموزش طلب نموده و با ایشان در کارها مشوره کن.)

4- رفق و مدارا نیز از جمله خصوصیات لازمی است که باید رهبر بدان التزام داشته باشد؛ چراکه نرم خویی، انسان را از درشتی و حماقت باز میدارد.

احادیثی که از رسول گرامی اسلام راجع به ضرورت رفق در صحیحین آمده بسیار زیاد است از جمله حدیثی است به روایت ام المؤمنین عایشه صدیقه (رضی الله عنها) که میفرماید:

« إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرِّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ وَمَا لَا يُعْطِي عَلَى مَا سِوَاهُ »¹

(خداوند رفیق بوده و نرمی را دوست دارد ، و برای نرمی نتایجی مترتب است که برای درشتی و آنچه که غیر از آن است مرتب نیست.)
« و عنها ايضاً قالت : سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي بَيْتِي هَذَا اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْتَقُّ عَلَيْهِ وَمَنْ

¹ - صحيح مسلم - (12 / 486)

وَلِيٍّ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَرَقَّ بَيْنَهُمْ فَارْقُ بِهِ»¹

ترجمه : (و نیز از ام المومنین روایت است: شنیدم که رسول خدا فرمودند: پروردگارا هر کس به کاری از امور امت گماشته شده و بر آنها سختگیری نمود؛ تو نیز با او سخت بگیر و هر کس که به کاری از کارهای امت گماشته شده و با آنها به نرمی رفتار نمود؛ تو نیز با وی به نرمی معامله فرما.)

5- شجاعت و عدم تهور: برای جماعت چیزی خطرناکتر از وجود رهبری بیباک و یا بزدل نیست. شجاعت در اصل به معنای ثبات قلبی، اعتماد به خدا و نیز پاکی قلب از سستی یی است که نتیجه طبیعی محبت دنیا و کراهت از مرگ میباشد و بهترین شجاعت، صراحت در حق، کتمان اسرار، اعتراف به خطا، انصاف در مورد نفس و کنترل آن در هنگام خشم و غضب است. اما تهور اجرای کار با شتابزدگی و بدون شناخت و سنجش عاقبت آن می باشد و اهمیت این صفات وقتی که افراد به رهبر خود اقتدا مینمایند به گونه واضح تر دانسته میشود.

6- صدق : برای هر فرد مسلمان صدق جزء اصلی اخلاق وی شمرده میشود و باید دائماً در جستجوی صداقت و راستی باشد. اما برای رهبر و مسئول متخلق بودن به صداقت از اهم واجبات است.

1 - صحیح مسلم - (9 / 351)

صدق باعث وفور اطمینان و بالا رفتن درجهٔ اعتماد برای رهبر میگردد؛ که این خود از مهمترین موارد در خور توجه در کار جمعی است، و بر عکس دروغ - ولو به پیمانهٔ بسیار اندک - سبب ایجاد شک و به لرزه افتادن پایه های اعتماد و یا نابودی کامل آن گردیده و این حالت بزرگترین خطری است که کیان جماعت را مورد تهدید قرار میدهد. لذا رهبر باید در برابر عواملی که باعث کشیده شدنش به سمت دروغ میشود، ایستادگی کند و در تردید آن از سرعت و جدیت کار بگیرد.

در حدیثی صحیح از حفص بن عاصم [روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

« كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ »^۱

(از دروغ برای انسان همان قدر کفایت میکند که آن چه را میشنود برای دیگران - بدون تحقیق - حکایت کند.)

7- تواضع و عدم برتری جویی: رهبر به وسیلهٔ تواضع میتواند قلبها را مسخر سازد، اما بر عکس برتری جویی، به پراگندگی قلوب منجر خواهد شد.

تواضع خلق مهم قائد و اسوهٔ حسنهٔ بشر صلی الله علیه وسلم است که بنده گی با نبوت را بر پیامبری با پادشاهی ترجیح داد و

خداوند او را در قرآن چنین مورد خطاب قرار میدهد:

﴿وَخُفِّضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ الشعراء: ۲۱۵

(نسبت به مومنینی که ترا پیروی میکنند فروتن باش)

به همین ترتیب صفات مؤمنینی که دوستدار خدا هستند و خدا

آنها را دوست میدارد چنین بیان گردیده است:

﴿أُولَئِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ المائدة: ۵۴

(نسبت به مومنان متواضع و نسبت به کافران با عزت اند)

و در جای دیگر میفرماید:

﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِيمًا بَيْنَهُمْ﴾ الفتح: ۲۹

(نسبت به کافران شدید و در میان خود رحیم و مهربان اند)

رسول خدا نیز در حدیثی که آن را عیاض [روایت کرده است چنین

میفرماید:

«إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ تَوَاضَعُوا حَتَّى لَا يَفْخَرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ»^۱

(خداوند به من وحی فرستاد که متواضع باشید تا کسی بر دیگری

فخر فروشی نکند و هیچیک نسبت به دیگری سرکشی و بغاوت

ننماید)

در حدیث دیگری از ابوهریره [آمده است :

« مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا وَمَا تَوَاضَعُ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ »^۱

(صدقه و انفاق از مال نمی کاهد و خداوند بنده عفو کننده را جز عزت نمی افزاید و هیچ بنده را که برای خدا تواضع پیشه کند ؛ جز بلندی و رفعت نمی افزاید .)

تواضع به معنای خضوع و تسلیم در برابر حق است و تواضع رهبر ، موجب ایجاد جو تعاون و مشوره و عدم حرج و هیبت دروغینی میگردد که قطعاً پیامد های منفی یی را به دنبال خواهد داشت.

البته گاهی انسان در هنگام انجام بعضی امور دچار نوعی حالت خودستایی و خود بینی میگردد که در اینگونه موارد لازم است آنرا نتیجه فضل خدا دانسته ، مسیر تواضع و شکر در پیش گرفته شود. در چنین حالاتی برای ما شایسته است تا رفتار رسول اکرم را حینیکه فاتحانه وارد مکه شدند؛ سرلوحه خود قرار دهیم.

8 - فروخوردن خشم و عفو و احسان: کسی که در جایگاه مسئولیت قرار میگیرد، یقیناً با قضایای مختلف و افراد گوناگون برخورد کرده و چه بسا با انواع بد خلقیها و حتی تحریکاتی از جانب افراد و جهاتی معین مواجه خواهد شد. بناءً بر مسئول واجب است تا خود را به صفات عفو، کظم غیظ و احسان زینت بخشد این کار باعث تجمع

افراد در محور جماعت وی میگردد. اما هر مسئولی که مسلط بر خشم خویشتن نباشد و از عفو بهره نبرده و هر بدی را فقط با بدی پاسخ دهد؛ یقیناً نه تنها بر جماعت خود بد روا داشته و هر روز به تعداد دشمنان آن خواهد افزود، بلکه بسیاری از سپاهیان مخلص خود را نیز از دست خواهد داد و از همین روست که آیات قرآنی و احادیث نبوی ما را به داشتن این صفات تشویق و ترغیب نموده و در شان متقین میفرماید:

﴿وَالْكَاظِمِينَ الْفَيْضَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ ﴿۳۳﴾ آل عمران: ۱۳۴

(و فروخورنده گان خشم و عفو کننده گان مردم و الله نیکوکاران را دوست دارد)

و در جایی دیگر

﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ النور: ۲۲

(باید ببخشند و به هم نزدیک شوند آیا دوست نمیدارید الله شما را بیامرزد؟)

و در جای دیگر

﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ ﴿۳۴﴾ فصلت: ۳۴

(هرگز کار نیک با کار بد برابر نیست . همیشه ای پیامبر روش

بهتر و پسندیده تر را در پیش بگیر که در آن صورت دشمنت به دوستی پسندیده تبدیل میشود.)

بیایید تا موقف رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در برابر آن اعرابی را در نظر بگیریم، آن گاه که برای طلب حاجتی به حضور پیامبر رسیده و گریبان ردای آن حضرت را چنان به شدت کشید که اثرش بر روی گردن مبارک رسول الله به جای ماند اما آن گرامی با تبسم به وی توجه فرمود و حاجتش را بر آورده ساخت.

بلی نمونه چنین موافقی از اسوه حسنۀ بشریت صلی الله علیه وسلم بسیار به مشاهده رسیده است.

خلاصۀ کلام استفاده مسئّل از خشم و غضب منجر به سقوط او در چنان ورطه های از مواقف نادرست خواهد شد که نه تنها نسبت به موقعیت خودش خطرناک است بلکه اثرات منفی آن به روی مصالح عامه دعوت نیز به مشاهده خواهد رسید.

البته این موضوع را نیز نباید از نظر دور داشته باشیم که عفو نباید منتهی به ذلت پذیری و زبونی و یا منجر به ترجیح کدام مفسده بر مصلحتی شرعی گردد.

9 - وفا به عهد: این خلق نیز از ضروری ترین اخلاقی است که برای تمام مسلمین به شکل عام و برای عاملین جماعت به طور خاص و به همین ترتیب برای کسی که در جایگاه مسئولیت قرار دارد به گونه اخص ضروری و بدیهی است.

این خلق در فضای عملی جماعت باعث ایجاد اعتماد و اطمینان و همکاری و بهره برداری می‌گردد. اما عدم التزام به عهد خصوصاً از جانب مسئولین منجر به پیدایش فضای عدم اعتماد و بد بینی در مورد اجرای امور متفق علیه میشود و بر علاوه موجب عدم آمادگی لازم برای تحقق امور میگردد؛ و این حالت بلاخره به عقب گرایی و سقوط کار و بهره برداری در میدان دعوت خواهد انجامید. علاوه بر این هنگامی که روح عدم وفا به عهد در کالبد تمام افراد جماعت دمیده شد، حاصلش تخلف آنها از مواعید مقرر و عدم همراهی شان در اجرای تعهداتی خواهد بود که مسئول اجرای آن بوده اند. قابل توجه میباشد که وفا به عهد از صفات مؤمنین و خلف وعده و نقض آن از خصوصیات منافقین است و به همین لحاظ ارکان بیعت از مهمترین ضروریاتی است که وفا به آن برای قیادت و افراد لازم شمرده میشود. البته علت آن است که آن بیعت، بیعتی خدایی بوده و شکستن هر رکن آن به منزله نقض کل بیعت خواهد بود. توجه فرمائید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِىَّ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (١٠)

الفتح: ١٠

(ای پیامبر: آنانی که با تو بیعت می نمایند هر آینه با خدا بیعت میکنند و دست خدا بالای دست هایشان قرار دارد و هرکس آنرا خوار

ساخت (شکستاند) هر آئینه خود را خوار ساخته است، و هر کس که با پیمان خود با خدا وفادار ماند پس بزودی مزد بزرگی را در یافت خواهد کرد.)

خداوند مؤمنین صادق را به وسیله وفای به عهد تزکیه نموده و میفرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (۳۳) ﴿يَجْزِي اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَّحِيمًا﴾ (۳۴)
 الأحزاب: ۲۳ - ۲۴»

(از مومنین کسانی هستند که با پیمان شان با خدا راستی کردند از آنان کسانی به نذر خود وفا نموده و به اتمامش رسانند و کسانی اند که هنوز منتظرند تا اینکه خداوند صادقین را به صداقت شان جزا و پاداش عنایب فرموده و منافقین را عذاب فرموده و اگر خواهد توبه شان را بپذیرد، بدرستی که خداوند آمرزنده و مهربان است.)

10 - صبر: طوریکه میدانید راه دعوت راهی است طولانی، دشوار و مملو با مشقات و پوشیده با خاها. بنابراین برای پوینده گان این مسیر چقدر حایز اهمیت است که مجهز به صبر و حوصله مندی باشند!

واضح است که هر گاه این خصوصیت لازمه تمام افراد جماعت است، حتماً قائد و مسئول بدان مستحق تر بوده و میبایست به آن

التزام زیادتری داشته باشد، چراکه مسئولین الگوهای دیگران خصوصاً در هنگام هجوم شداید و مصائب به شمار میروند.

همچنین وظیفهٔ مسؤل - به دلیل اهمیت و عظمت آن - ایجاب بذل وقت و تلاش فراوانی را میکند و رهبر باید بر تمام میادین عملی یعنی برنامه ریزی امور، توزیع وظایف و پیگیری آن، معالجه نواقص، رفع مشکلات و اختلافات و غیره احاطه و تسلط کامل داشته باشد و نقطه قابل توجه این است که پیشبرد تمام این امور به صبر و مصابرهٔ توأم با حلم و حکمت رهبر بستگی دارد تا جماعت بتواند مسیر اصلی خود را دنبال کند و طوری به اهداف خود دست یابد که کار به هیچگونه تعویق، توقف و یا انحراف مواجه نگردیده باشد.

الله جل جلاله ما را به صبر و نماز فرا خوانده و میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (١٥٣)

البقرة: ١٥٣

و در جایی راجع به صبر و مصابره و مرابطه چنین ارشاد میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تَقْلِحُوا﴾ (٢٠٠) آل عمران: ٢٠٠

(ای مومنان صبور باشید، یکدیگر را به صبر تشویق نموده و با هم

مرتبط باشید از خدا بترسید، باشد تا رستگار شوید.)

و در جای دیگر در ازای صبر، ما را چنین ترغیب مینماید:

﴿ إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴾ (الزمر: ۱۰)

(مزد صابران به کمال و بدون اندازه داده میشود.)

11- عفت و کرم: از جمله صفاتی که باید تمام منسوبین دعوت خصوصاً مسؤولین بدان متصف باشند؛ عفت نفس و عدم فروتنی آن در برابر شهوات و نیز تمنا برای کسب متاع دنیوی بی است که در نزد دیگران وجود دارد. فروتنی نفس در مقابل تمایلات شهوانی و نفسانی نشانه ضعف اراده میباشد، که به هیچ وجه پسندیده نیست و با جهاد خستگی ناپذیر ما بر ضد دشمنان خدا هیچگونه مناسبتی ندارد، علاوه بر این رهبری که در برابر خواهشات نفسانی اش سر تسلیم فرود میآورد؛ بدون شک منزلت و احترام خود در نزد مردم را از دست داده و از چشمها خواهد افتاد، پس باید مسؤول از هر نوع استفاده مادی از طریق دعوت برای شخص خود و یا اقاربش در طی مدت مسئولیت خویش جداً پرهیز نماید.

مورد مهم دیگر این است که رهبر باید بر اساس پیروی از قدوه حسنه بشریت و انصارش در کرم و جود اسوه قرارگیرد. انصاری که خدایشان در فداکاری و ایثارگری مثل گردانیده و میفرماید:

﴿ وَالَّذِينَ بَوَّءُوا الدَّارَ وَالْآيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُذُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا يُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَفَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾ (الحشر: ۹)

الحشر: ۹

(و آنانی که خانه ها و ایمان شان را قبل از ایشان آماده کردند و دوست دارند آنانی را که به سوی ایشان هجرت میکنند و به آن چه در راه خدا اتفاق نمودند احساس نیازمندی نمیکنند و در حالی به ایثار مال خود میپردازند که خود بدان احتیاج بیشتری دارند. آری ! آنانی که خود را از بخل نفس محافظت کردند به یقین از رستگاران اند.)

12- زهد و پرهیزگاری: رهبری که خود را به لباس زهد و تقوا ملبس کند بیگمان از شبهات دوری میورزد. یعنی به منظور احتراز و اجتناب از سقوط در ورطه گناه و آلودگی، از نزدیکی به مرزهای خطر نیز پرهیز میکند و در تمام احوال به محاسبه نفس خویش میپردازد، واضح است که چنین فردی میتواند الگوی نیک برای سایر همراهانش به شمار رود و علاوه بر افزودن به منزلت رهبری، شبهات استفاده جویی و منفعت طلبی شخصی را از مقام رهبری رفع کند و در جایگاه تقدیر و اعجاب در جماعت قرار گیرد.

اما مسئولی که خود را به زیور ورع و زهد نیاراسته و از فرو غلطیدن در وادی شبهات ابایی نداشته باشد، بدون شک زیر دستانش گوی سبقت را از وی ربوده و آنقدر در منجلاب شبهات فرو خواهند رفت که در نهایت مقدمات دخول شان به حریم حرام و معصیت فراهم خواهد گردید! بلی و این گونه رهبريست که از جایگاه مسؤولیتش به کیان جماعت زیانهای جبران نا پذیری را وارد میسازد.

پس ورع و پرهیزگاری برای رهبر بسیار ضروری است و التزام بدان به چنان زهدی خواهد انجامید که وی را از تعلق محض به امور دنیا و متاع آن باز داشته و در تمام احوال مخلصانه در راه خدا گام بر خواهد داشت.

13 - پایبندی به عدل و انصاف: صفت عدل و انصاف نیز از صفات لازم رهبر و مسئول در حرکت های جمعی است انصاف به آن موجب میشود هر فرد نسبت به حقوق و اجرای عدالت در مورد خود مطمئن شود و با اعتماد کامل به کار خویش مشغول باشد. به طور کل رعایت عدل و انصاف باعث میشود، روحیه صدق و اخلاص، همبستگی و بهره برداری بر فضای کار جمعی حاکمیت یابد.

اما اگر مسئول طریق ستم و تبعیض را در پیش گرفت، علاوه بر نابودی جو اطمینان و اعتماد، خوی زشت منزلت جویی، جای صدق و اخلاص را میگیرد و در نتیجه فضای کار را تباه و فاسد خواهد ساخت. پس باید هر مسئول در جهت اجرای عدل و انصاف در مورد همگان و از همیشه زیاد تر در مورد خود بکوشد به گونه ای که اگر در امری خود را به خطا دید، بر ادامه آن اصرار نرزد و به خطایش شجاعانه اعتراف نماید و همچنین امانت مسئولیت را در نظر گرفته و به هیچگونه تبعیضی تن در ندهد. به همین ترتیب برای مسئول واجب است تا در هر قضیه ای هنگام صدور حکم، قبل از شنیدن سخنان جانبین عجله به خرج ندهد و حتی مفید تر خواهد بود اگر فیصله

اختلافات را به نهاد دیگری واگذار نماید تا علاقه اش با سایرین، سالم و پاکیزه و غیر مخدوش باقی بماند.

14 - اجتناب از منت گذاشتن و خودستایی: هرگاه الله متعال به وسیله رهبر خیری را به اسلام میرساند بر رهبر است تا آن را دستاورد و حاصل برنامه ریزی و کفایت شخصی خود نداند، بلکه آن را فضل و احسانی انگارد که از جانب پروردگارش عطا گردیده است.

همچنان رهبر نباید به دلیل پیشبرد و رهبری امور بر سایرین منت گذارد؛ چرا که در حقیقت خداوند او را به انجام کارها توفیق عنایت فرموده و راه را بر وی هموار ساخته است، لذا در همه حال باید شکر گذار الله جل جلاله بوده باشد.

مورد با اهمیت دیگر این است که مسئول باید برای دوری از ریایی که باعث حبطه اعمال میگردد به تعریف و توصیف خود از جانب مردم چشم داشتی نداشته باشد و خود نیز هیچگاه به توصیف کارهای که در میدان دعوت انجام داده است نپردازد.

15 - صیانت و حراست: وظیفه مسئول جماعت، حراست و نگهداری از تعالیم اسلام و حرمت الهی است تا در میدان کار و جماعتش، تجاوزی به آن صورت نگیرد و حتک حرمتی صورت نپذیرد. رهبر نباید در برابر هر گونه تقصیر و یا عدم التزام به مقررات دینی از خود تساهل و بی توجهی نشان دهد و از آنجاییکه هدف عمده بر

پایی جماعت اقامه شریعت الهی در زمین و منقاد ساختن مردم به تعالیم ارزشمند اسلام است ؛ لهذا اولتر از همه، باید افراد جماعت و رهبر آن خود را مکلف به اجرای این تعالیم بدانند و توجه داشته باشیم که در راستای مقابله با مفاسد، تسامح و تفریط به مثابه عدم علاج مرضی است که مکروب آن هر دقیقه در پیکر جماعت سرایت بیشتری مییابد و در نهایت آن را یا از میان میبرد و یا از دست یابی به اهدافش باز میدارد. البته این علاوه بر حالتی است که جماعت مخلصین صادق خود را به تدریج از دست میدهد. لذا پیشگیری از مرض بهتر از علاج آن است و بزرگترین مسئولیت رهبر محافظت حرمت الهی و بزرگداشت آن به وسیله افراد جماعت است.

﴿وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ (الحج: ۳۰)

(و هر کس حرمت الهی را در نظر گرفت آن کار در نزد مولایش
برایش بهتر است)

16 - سلامت صدر و نشنیدن غیبت و عدم سخت چینی:
مضرترین و خطرناکترین امری که کیان جماعت را مورد تهدید قرار میدهد، گوش فرادادن مسئول به سخنان افراد غیبتگر و سخن چینی است که در صف جماعت مشغول این کار هستند. گوش دادن مسئول به این سخنان در حقیقت به مثابه تأیید ضمنی وی به اشاعه این بیماری خطر و مهلک در پیکره جماعت است و چنین حالتی به راستی باز کردن مدخل بزرگی برای ورود شیطان جهت ایجاد عداوت

و تفرقه و اختلاف در بین افراد جماعت می باشد.

بدیهی است که در اثر نقل سخنانی از سایرین _ به طریق سخن چینی و غیبت - برای مسئول، شک و بد بینی راجع به دیگران در قلب وی به وجود آمده و اعتماد فی مابین را به نابودی میکشاند. واضح است که چنین وضعیتی بالای کار و جو تعاون و انتاج جماعت تأثیری منفی به جای خواهد گذاشت، بنابراین مسئول باید نسبت به این پدیده زشت بی توجهی نشان داده و از شنیدن آن خوداری ورزد.

ارشاد نبوی را در این باره از نظر میگذرانیم:

« لَا يُبْلَغُنِي أَحَدٌ عَنْ أَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِي شَيْئًا فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أُخْرَجَ إِلَيْهِمْ وَأَنَا سَلِيمُ الصَّدْرِ »^۱

(درباره هیچیک از اصحابم برایم خبری نیاورید (به طریق غیبت و سخن چینی) چرا که من دوست دارم وقتی باشما روبرو میشوم کاملاً سلیم الصدر باشم.)

و چنین برخوردی با غیبتگران - ان شاء الله - ما را در توقف و عدم تکرار و انتشار این مرض مهلک یاری خواهد رساند.

17 - تردید نداشتن، عزم و توکل: بعید نیست که بارها رهبر در برابر مواقف، مشکلات و یا حوادثی قرار بگیرد که دارای پیامد های

خطر ناکی برای حرکت باشد، در این گونه موارد برای رهبر شایسته است تا بعد از فراهم آوری اسباب و وسایل، اخذ مشوره و استخاره و با استفاده از قوت حکمت و توکل به خداوند توانا و با عزمی متین کمر همت بسته و برای رفع موانع به مقابله جدی برخیزد.

واضح است که در چنین وضعیتی تردد و ضعف، به نتایجی خطیر و پیدایش تزلزل در صف منتهی می‌گردد و شاید احیاناً به تفرق، ناکامی و شکست در برابر دشمنان نیز بینجامد. روی همین ملحوظ در قرآن اشاراتی صریح در این باره به چشم می‌خورد:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ آل عمران: ۱۵۹

(و با ایشان (اصحاب) در کارها مشورت کن و هرگاه تصمیم به کاری گرفتی به خدا توکل نما)

و در جای دیگر قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِّغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ الطلاق: ۳

(و هر کس که به الله توکل نمود پس الله او را بسنده است.)

و جای دیگر آمده است :

﴿الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَبَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (۱۷۳) ﴿فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَى دَوْلَاتِهِمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۱۷۴) ﴿وَاللَّهُ دُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ (۱۷۵)

آل عمران: ۱۷۳ - ۱۷۴

(و آنانی که وقتی مردم به ایشان گفتند: مردم بر ضد شما تجمع نموده اند - برای جنگ - پس از ایشان بترسید! - اما این گفته در آنها تاثیر نکرده - و جز بر ایمانشان نیفزود و گفتند که الله ما را بس است و او بهترین وکیل و ضمانت کننده ماست، پس به یقین آنان به جانب فضل و نعمت الهی باز گشتند که هرگز به آنها بدی نمی رسد و آنان رضایت پروردگار خود را جستجو کردند و الله دارای فضل بزرگ است.)

18- میانه روی و اعتدال در امور: از آن جایکه رهبر و مسئول جماعت، کار پر حجمی را اداره مینماید و چنان جمع عظیمی را رهبری میکند که در آن قدرت ها و طاقات مختلفی موجود است؛ لهذا برای او چاره جز این نیست که راه اعتدال و میانه روی را در پیش گیرد، و از افراط و تفریط و همچنین تهور و جبن پرهیز نماید، در غیر آن کار به اصلاح نمیرسد و در مجرای اصلی خود قرار نمیگیرد.

آری! برای آینده حرکت، اعتدال همیشه راهی است بهتر، مطمئن تر و دور از تهدیدات و رویا رویی با خطرات و بر خلاف افراط و تند روی که منجر به ارضای خاطر تعداد اندکی گردیده و اکثریت را ناراضی نگه میدارد؛ میانه روی به توحید صف و اجتماع کلمه در جماعت میانجامد.

برعلاوه طول راه و سنگینی امانت، مستلزم داشتن اعتدالی است

که تحقق اهداف جماعت را بدون کدام تحریف، و عقب گرایی ضمانت نماید.

19 - ثبات توأم با حق بدون تزلزل و بد شگونی : طوریکه میدانیم راه دعوت با خار ها مفروش و توأم با مشکلات و رو در رویی های پی در پی با پیروان باطل میباشد. لذا برای قیادت ضروری است تا نمونه بارز پایداری راستین و بدون تزلزل و یا بدشگونی باشد. رهبر کسی است که در چنین مواقعی چشمها به وی دوخته شده و موقف او تاثیر تعیین کننده و سرنوشت سازی را بالای افراد بر جای میگذارد. اگر افراد رهبر خود را در چنین هنگامی ثابت قدم و استوار یافته و دیدند که در مقابل باطل احساس ضعف و سستی نمیکند؛ یقیناً ایشان نیز تا آخرین مرحله او را با جدیت کامل همراهی خواهند نمود. برای نمونه میتوانیم از مواقف رسول خدا و تاثیرات مثبت آن در غزوات احد و حنین یاد آوری کنیم که براسستی تا چه اندازه در تغییر موقف افراد تاثیر به سزایی را بر جای گذاشت!!

20 - پرهیز از بدبینی و خوشبینی: بدبینی و نا امیدي و لو هنگامی که ظلم و وحشت به اوج خود رسیده باشد از جمله چیزهای است که در قاموس انسان مؤمن جایی ندارد چرا که ما با استعانت از پروردگاری که کسی او را در زمین و آسمان عاجز کرده نمیتواند، به کار خود ادامه میدهیم و در حالیکه مسؤل نتایج کار نیستیم؛ تمامی اسباب و لوازم مشروع را برای پیاده کردن اهداف مان به کار میگیریم.

بلی! در چنین صورتی است که امور بر اساس تقدیر و حکمت الهی شکل مییابند. علاوه بر این هرگاه عوامل پیروزی بی را که امام حسن البناء - رحمه الله - ذکر نموده و ما در قسمت پیشین به آن اشاره بی داشتیم، نیز بر اینها بیفزاییم؛ قطعاً نباید دچار ناامیدی گشته بلکه قلبهای ما از آرزوی رسیدن به نصرت و تمکین سرشار خواهد گشت. پس رهبر مسؤولیت دارد تا ممثل معانی فوق الذکر باشد و افرادش را در راستای درکی درست از آنها به راه انداخته و سمت و سو بخشد. به همین ترتیب بر رهبر و برادرانش لازم است تا از افراط در خوشبینی بپرهیزند، چراکه بعید نیست در صورت به دست نیامدن خیر و نصرت سریع، این خوشبینی های بیمورد منجر به پیدایش روحیه یأس و سرخوردگی شود و این درحالیست که وظیفه ما بزرگ، راه ما طولانی، اما خوی انسانی ما عجول است و باید به خاطر داشت که الله جل جلاله نظر به تعجیل ما هرگز عجله نمی کند!

این بود مجموعه اخلاق و صفاتی که به دلیل اهمیت آنها برای مسؤولین به ذکر شان پرداختیم، امیداوریم که رهبران به آن تمسک جسته و جهت محافظت و مدوامت آن تلاش وافی به خرج دهند. البته علاوه بر اینها خلیات دیگری نیز هست که تخلق بدان برای هر مسلمانی ضروری است و چون در این جا مجال طرح مفصل شان نیست فقط به ذکر اجمالی آنها اکتفا میکنیم. این خصوصیات قرار ذیل

اند:

حیا، نیکوکاری و احسان، صلۀ رحم، اکرام ایتام و مساکین، حفظ اسرار و ستر عورات مسلمین، مهربانی و خوش کلامی، خوشرویی و وقار، پرهیز از بدزبانی، امتناع از جدال و مرء و کثرت مزاح، عدم بلندی صوت بیش از حد ضرورت، محافظت سنتها و آداب آن، دوری از بدعت ها و شبهات، خشوع و ذکر، تسلیم و رضایت به حکم خدا و پیامبر و دیگر تعالیم اخلاق اسلامی.

در آن چه گذشت از طبیعت و وجوب فعالیت جمعی برای اسلام و از ثقل امانت‌های رهبری سخن گفتیم و به بعضی از اموری اشاره کردیم که می‌تواند رهبری را برای حمل آن امانات یاری و معاونت نماید و همچنین اخلاق و صفاتی را برشمردیم که التزام به آنها برای مسئولین و رهبران حرکت ضروری و حتمی است.

حال می‌پردازیم به ذکر بعضی از ملاحظات و توصیه‌های که رهبر را جهت سیر بهتر امور یاری می‌رساند.

الف) طبیعت کار و میادین آن:

1- رهبر جماعت باید جهانی‌بیندیشد، التزام قیادت - بدون کدام تفریط و جزء‌گرایی - به هدف بزرگی که موجب برپایی دعوت ماگردیده است (حاکمیت شریعت الهی در زمین به وسیله اقامه حکومت جهانی اسلام) امری بدیهی است؛ هرچند که زمان به درازا کشد و مشکلات نیز زیاد تر گردد.

2- در نظر داشتن ابعاد مختلف کارجمعی جزء مطالبات حیاتی دعوت است که قیادت مسئول عنایت بدان می‌باشد. توجه داشته باشید که اسلام به عنوان یک کل متکامل با هرگونه جزء‌گرایی و یا جدایی‌جویی جوانب مختلف آن از هم به کلی ناسازگار است.

3- توجه به مقتضیات و خواسته‌های مرحله کنونی دعوت نیز از

جمله ضروری ترین وظایف رهبر است .

آری! جماعت در این مرحله بزرگترین رسالت یعنی اعاده دولت اسلامی یی را به دوش دارد که بر مبنای متین عقیده سلیم اسلامی، ایمانی قوی و محکم و بازگشت همه جانبه و صادقانه به قرآن و سنت استوار گردیده و هدف آن زدودن تمام زنگارهای ناشی از فهم نادرست دینی و عادات جاهلانه و نیز رهایی نفوس از تمام معانی ضعف و ذلت میباشد و به خاطر برانگیختن مفاهیم عزت و جهاد، فداکاری و قوت و همچنین آماده سازی صحیح نسلهای مسلمان براساس معانی و ارزشهای فوق الذکر بنا شده است.

4- بعد تربیتی دعوت نسبت به سایر ابعاد باید در محراق توجه رهبر قرار داشته باشد . چرا که تربیت در اصل اساس قوت و یکپارچگی به شمار میرود و نسلهای را به میدان می آورد که در کمال امانت داری مشکلات را تحمل کند و کار را اینارگرانه و با روحیه اخوت و محبت بدون مخالفت و مشکل تراشی استمرار بخشد.

5 - مراعات جنبه سیاسی کار دعوت به اندازه متناسب آن طوریکه بر جنبه تربیتی رجحان نیابد و از اهمیت خودش نیز کاسته نشود؛ از جمله موارد با ارزشی است که باید مسئول بدان آگاهی و مواظبت داشته باشد.

6 - بر رهبری لازم است تا موقف جماعت نسبت به سایر جماعت های اسلامی را در نظر گیرد و برای پیدایی حسن علاقه و تعاون با آنها

بکوشد.

رهبر نباید با اتخاذ موافقی که ممکن سبب برخورد و رویارویی جماعت با سایر حرکتها گردد، آن را به دشواری مواجه سازد. او مسئول است که افراد را نیز از قرارگرفتن در چنان وضعیتی برحذر دارد هرچند که جماعت ما به وسیله آن حرکتها به مشکلاتی نیز روبرو گردیده باشد.

باید توجه داشت که ما برای توحید صفوف تلاش میورزیم و آرزوی بزرگ ما این است که به زودی - ان شاءالله - به این هدف اصولی خود دست یابیم و در رویارویی با چلنج های دشمنان خود نه به گونه پراکنده بلکه طور یکپارچه عمل نماییم.

7 - دور آینده دعوت - ان شاءالله - دوران جهاد و سپس تحقق اهداف مقدس ما خواهدبود. پس در مرحله فعلی باید به آماده سازی افراد، ایجاد کفایتها و فراگیری تعلیمات لازم برای مراحل بعدی، توجه جدی صورت پذیرد.

8 - اهتمام به آماده سازی جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که اجتماع به مثابه پایگاه ثابت و نیرومندی است که حکومت اسلامی بر اساس آن استوار میشود. لذا برای تحقق این اهداف لازم است تا مشکلات مردم را عملاً درک نماییم و دیدگاه های عمومی را ارج نهاده و برای آماده سازی آنان و بالا بردن ارزشها، گام های ارزنده

بی را در سطوح مختلف اجتماع برداریم .

9- زن مسلمان نقشی اساسی را در میدان فعالیت اسلامی به عهده دارد. او کسی است که زمینه برپایی خانواده اسلامی یعنی ستون بنای دولت اسلامی را مساعد ساخته و چنان نسل صالحی را به وجود میآورد که امانت بزرگ اسلامی را به ارث میبرد و مسیر کار و جهاد را تداوم میبخشد. بنابر این توجه به آماده سازی زن مسلمان در میدان دعوت اسلامی بسیار با اهمیت و شایان دقت است .

10- توجه به نسل جوان ما نیز از اهمیتی فراوان برخوردار میباشد و بایسته است که همراه با نموی جسمی، بنای شخصیت اسلامی وی نیز رشد کند و توأم با استقامت پرورش یابد. این کار باعث میشود که جوان مسلمان هدف فتنه ها و انحرافات که مصاب شدن به آنها در جوامع ما عمومیت یافته است، قرار نگیرد.

11- رهبر باید جهت رساندن دعوت، با حفظ اصالت و شمولیت و پختگیهای آن، به نسلهای آینده تلاش ورزد و برای تضمین تداومش بر اساس منهج دعوت، بدون کدام انحراف، تفریط و یا نزول از سطح مطلوب، از هیچ گونه کوششی دریغ نورزد .

12- از آن جایی که دعوت ما حرکتی است که سرزمینها و ملت‌های متعدد و مختلفی را در برمیگیرد؛ لذا توجه به شناخت زبانهای این ملل حایز اهمیت ویژه ای است و باید افرادی باشند تا ارتباط میان این زبانها و زبان عربی را قایم سازند و بدین وسیله تسهیلات هرچه

بیشتری را جهت استفاده بهتر در میدان فعالیت اسلامی به وجود آورند.

13- امکانات مالی عصب مهم فعالیت اسلامی محسوب میشود و لازم است تا برای ازدیاد آن به خاطر تحقق اهداف حرکت کوشش صورت پذیرد؛ تا این که حرکت ما به علت کمبود مال و بودیجه اقتصادی به تعویق و عقب مانده گی دچار نشود.

14- از جمله وظایف قیادت یکی هم استفاده از تخصصها در ساحات مختلف میدان دعوت اسلامی است و باید از دست آوردهای مفید فکری در ساحات برنامه ریزی، تنظیم، اداره، اجتماع و غیره حداکثر استفاده به نفع دعوت به عمل آید.

ب) ملاحظاتی درباره بهتر شدن امور:

در این قسمت میپردازیم به ذکر نکاتی که رعایت آن مسئول را به حسن عمل یاری میکند و در مقابله با هرگونه لغزش و خلل از وی حمایت مینماید:

1- از جمله وظایف مهم مسئول داشتن احاطه کامل بر تمام جوانب مسئولیت است تا بتواند در هنگام هجوم کارها و مشاغل بدون هیچگونه تغافلی به اجرای وظایف خویش بپردازد.

2- شخص مسئول باید نسبت به وظیفه و هدف خود، مؤمن و دارای اعتقادی قوی و مستحکم باشد. همچنین وی باید به کار خود

کاملاً تسلط داشته باشد، سعی، وقت و جهد لازم خود را مخلصانه در اختیار آن قرار دهد.

3- جهت تضمین درستی روند کار، رهبر موظف است همیشه، چنان پروگرام تکامل یافته ای را تهیه و ترتیب نماید که در آن کلیه مراحل، اهداف و امکانات مورد نظر قرار گرفته باشد و نیز از وظایف رهبر است تا افراد مجری پروگرامها را مشخص و دسته بندی کند و جریان اجرای برنامه ها را به دقت از نظر بگذرانند.

برای مسئول بسیار با اهمیت است تا در هنگام طرح دستورکار متوجه باشد که برنامه اش مبتنی و منطبق بر واقعیت بوده و صرفاً نظری و یا خیالی نباشد. ناگفته نماند که بهتر است آغاز پروگرام با ساده گی همراه شود و به مرور زمان - در سایه تجارب و خبره گیهای به دست آمده و باگریز از سلبیات - رشد و بالنده گی یابد؛ نه اینکه برنامه را با حجمی وسیع آغاز کنیم و سپس روز به روز از وسعت آن بکاهیم و بالاخره در اثر پدید آمدن مشکلات، نشاط بیشبرد آن را کاملاً از دست بدهیم.

خالی از خیر نخواهد بود اگر با مسئولین فرعی هم راجع به برنامه و جستجوی راه های بهتر پیاده ساختن آن تفاهم صورت گیرد و از نظرات شان در این راستا کمک گرفته شود.

4- رهبر باید استعداد شناسایی افراد را داشته باشد تا بتواند مناسبترین فرد را در جایگاه مناسب قرار دهد و بدین وسیله حد و مرز

تعیین شده را به وجه احسن محافظت و اداره نماید .

این کار به رهبر امکان میدهد که با اجتناب از کثرت تغییر و تبدیل افراد، از بروز بسا رنجشها و پیامدهای ناگوار جلوگیری کند.

5- از رهبر و مسئول انتظار میرود طوری به تنظیم کار و وقت خویش بپردازد تا از پیدایش خستگی شدیدی که میتواند تاثیرات سوئی را روی روند کار و تفکر سالمش برجای گذارد، جلوگیری کند . تفکر سالم رهبر برای حسن روند کار و اداره و پیروی از او بسیار ضروری و اساسی به نظر میرسد. همچنین برای رهبر جایز نیست که خود شخصاً به کاری اقدام کند که انجام آن توسط معاونین وی امکان پذیر است .

6- بیداری پیوسته رهبر برای دریافت اطمینان از حسن روند کار امری حتمی و ضروری است. این کار به رهبر امکان میدهد تا به علاج هر مشکل قبل از پیچیده گی و دو چندان شدنش بپردازد .

7- قدرت تصمیم و عزم مسئول نیز از جمله امور مهم و اساسی است. مسئول باید بعد از مشوره با عزمی متین تصمیم بگیرد و با توکل به خدا از هرگونه تردد و دودلی پرهیز نماید. چرا که دو دلی و کثرت رأی موجب بی ثباتی و آشفتگی صف جماعت میگردد و تأثیر منفی را بالای جریان کار بر جای میگذارد. برعلاوه این کار مسئول را در نزد معاونینش به عنوان مظهر ضعفی معرفی میکند که مانع ایجاد اعتماد

مطلوب در جماعت میگردد.

8- رهبر باید توجه خویش را روی جدیت در عمل متمرکز سازد و از گزافه گویی پرهیز نماید. چرا که بسیاری از قضایای که ما با آن مواجه هستیم ایجاب کاری جدی و به هم پیوسته را نموده و کسیکه به کشت اقوال میپردازد؛ هرگز جز اوهام نخواهد دروید!

درک این موضوع نیز برای مسئول ضروری است که هر کلمه صادر شده از وی، یا به نفع و یا به ضرر جماعت خواهد بود و چه بسا مفسدینی منتظر باشند تا در فرصتی مناسب چیزی از کلامش را قاپیده و بر ضد خودش آن را به کار گیرند.

9- چه خوب است رهبر در موارد فرعییی که با اختلاف آراء روبروست، از اظهار نظر فقهی که خود به آن معتقد است خود داری نماید تا نظرش به عنوان مسئول جماعت رأی کل جماعت پنداشته نشود.

شیوه کاری ما حکم میکند که افراد جماعت را در امور اختلافی؛ به رأیی واحد ملزم نسازیم؛ مشروط برآنکه رای مزبور صاحبش را از اسلام خارج نکند.

10- رهبر موظف است تا افراد جماعت را از آلوده شدن به فتنه های فرقه ای با مسلمانان و غیر مسلمانان باز دارد و صف جماعت را از سقوط در این گونه پرتگاه های که جز ایجاد دشمنی حاصلی ندارد و بر علاوه به حساب کار دعوت نیز منظور میشود؛ به دور نگه دارد.

11- کار در عرصه دعوت، عبادت برای الله (جل جلاله) محسوب میشود؛ لهذا بر مسئول است تا برادران خود را دائماً به مراقبت خدایی فرا خوانده و شیوه محکم کاری و اخلاص را برای مصئونیت عبادت به ایشان بیاموزاند و نیز آنها را به پیشقدمی و کسب موفقیت تحریر و در جهت نیل به ثواب و رضای الهی تشویق نماید.

12- شخص مسئول میبایست از حضور دائمی روح معنویت در وجود افراد زیر فرمانش اطمینان و باخبری کامل داشته و در راه ارتقای آن و نیز ایجاد امید در قلوب شان بکوشد؛ باشد تا بدین وسیله اراده ها در سایه تقوی و پرهیزگاری بارور گردد و نیروها در میدان کار و بازدهی به خدمت گرفته شوند.

از جمله سایر مسئولیتهای رهبر دور کردن اثرات منفی ناشی از وضعیت و مشکلات توان فرسای کنونی؛ از نفوس افراد جماعت میباید. 13- درست نیست که مسئولی تمام وقت خود را منحصر به پیشبرد امور پیش آمده سازد، بلکه باید به آینده، ضرورتها و مطالباتش فکر نماید؛ تا کارها و اقداماتش در برابر قضایای روز، فقط یک کنش نسنجیده و غیر پلان شده نباشد.

14- قیادت باید برای ارتقای اسلوبهای کاری، مجهز ساختن وسایل و استفاده از پدیده های جدید و مدرنی که میتوانند در تحقق اهداف دعوت و بالا بردن سطح بهره برداری از آن کمک نمایند؛ توجه جدی خود را مبذول دارد.

15- بسیار مهم است که رهبر هرازگاهی به ارزیابی کار و دستاوردهای آن پردازد و بدین وسیله از درستی روند کار، رشد و باز دهی آن، خویش را مطمئن سازد. این کار همچنان برای شناخت نکات مثبت و عمومیت بخشیدن آن و شناسایی سلیبیات و معالجه آنها، بسیار حایز اهمیت است.

گفتنی است که رهبر باید از هر انتقاد سازنده - و لو از جانب دشمن - به نفع دعوت استفاده نماید.

16- رهبر باید در ارزیابی نیروها و امکاناتش دچار بزرگ بینی و مبالغه نگردد و خویشان را نفریبد و به همین ترتیب درکوچک شمردن آن نیز راه تفریط نیپیماید.

17- دوری قیادت از استغراق در امور اداری و بها دادن به بُعد دعوی و روحی از جمله ضرورتهای است که باید مورد توجه حتمی رهبر قرار داشته باشد. بُعد روحی اصل و اساس دعوت ما محسوب میگردد و منتهی به ایجاد فضای محبت و تعاون میگردد و عدم التفات به آن کار ما را چنان شکل رسمی و اداری بی خواهد داد که فاقد معنویت بوده و نتیجه جز بدبینی و دشمنی در میان افراد جماعت از خود بر جای نخواهد گذاشت.

18 - مسئول باید دارای صلاحیت اجرایی بی باشد که با بهره گیری از آن در مواقع سختی و مصیبت بتواند موانع را از میان بردارد و راه دعوت را باز نماید. چقدر نابجاست که حرکت به علت وجود

قیودات فراوانی که تصرفات رهبر را محدود میسازد دچار کندی و ضعف گردد.

19- به هر پیمانه که مجموعه قیادت در حرکت متحد و یکپارچه باشد، به همان اندازه جماعت نیرومند است و افراد نسبت به قیادت خود اعتماد زیادتری خواهند داشت. اما برعکس اگر میان اعضای رهبری جماعت اختلافاتی بروز کند و تفرقه بوجود آید؛ در آن هنگام است که سستی بر نیروی جماعت مستولی گشته و پیروانش را متأثر میسازد و چه بسا در این گونه موارد گروه ها و دسته جاتی در اطراف بعضی از افراد گرد آیند و منجر به ورود نقصان بر روند حرکت و وحدت صفوف گردند.

20- برای رهبر شایسته است که تا آخرین حد ممکن از درگیری با دیگران پرهیزد؛ در غیر این صورت با کینه ورزی های فراوانی خصوصاً از جانب سایر گروه های اسلامی روبرو خواهد شد.

21- قیادت باید ذوق حماسی جوانان را مد نظر داشته باشد و آنان را جوانانی پر حماسه اما منضبط بار آورد تا مبادا زمانی بدون در نظر داشت اوضاع، جماعت را با دشمنان درگیر کرده و دچار مشکلات و گرفتاری سازند.

22- برای رهبر بسیار ضروری است که از صف جماعت در مقابل نفوذ مکاتب و مدارس فکری مخالف، قویاً حمایت و پشتیبانی نماید؛ چرا که تساهل در این زمینه صف جماعت را دچار پراکنده گی و

اختلاف خواهد ساخت .

23- رهبر نباید اجازه دهد که در صف جماعت محورهای از اشخاص بر اساس تعصبات منطقه یی و غیره به وجود آید؛ بدیهی است که وجود چنین جریاناتی به ضعف روح وحدت و همکاری منجر میگردد و یا موجب پیدایش تفرقه و انشعاب در صف جماعت میشود.

24- ایجاد جو انضباط و محاسبه خطاها نیز از اهم وظایف رهبر است. هرگونه بی توجهی در این مورد زمینه ساز بی مبالیهای خواهد بود که سر تا سر جماعت را دربر میگیرد و فساد بزرگی را در عرصه های مختلف کار جماعت شایع خواهد نمود.

25- رهبر مؤلف است تا از صفوف جماعت در برابر نفوذ عناصر بیگانه و حملات تفرقه افگانه دشمنان، پشتیبانی به عمل آورد. رهبر باید ارتباط مداوم خود را با سپاهیان دعوت حفظ کند و به توضیح و تشریح امور خاصاً توطئه های دشمن مبادرت ورزد .

26- هرگاه علایمی از بروز فتنه و بی نظمی در صف به مشاهده رسید رهبر باید با روشی حکیمانه، بدون مواجه ساختن جماعت با سختیها به معالجه آنها اقدام نماید .

27- هنگامی که مسئول نسبت به ادای وظایف خویش احساس ناتوانی نمود و به فکر جایگزینی کسی گردید که از توانایی بیشتری برخوردار است، هرگز برایش عیبی نیست و از قدر و حیثیتش نمیکاهد، چرا که مصلحت جماعت بر مصالح شخصی به رجحان سزاوار

تر است.

ملاحظات در بارهٔ اسلوب تعامل میان رهبر و معاونینش:

در اینجا به ذکر نکاتی میپردازیم که کیفیت تعامل مسئول را در هر گونه وضعیتی با افراد زیر فرمانش مشخص میسازد:

1- اولین چیزی که برای مسئول از اهمیت ویژه ای برخوردار میباشد، انتخاب افرادی مناسب در جایگاه های مختلف مسئولیت است. این کار تضمینی جهت درستی روند کار و ارتقا و استمرار آن خواهد بود و از حوادث منفی بی که در نتیجهٔ سوء انتخاب افراد و نیز تغییر و تبدیل آنها به وجود می آید جلوگیری میکند.

2- رهبر نباید فردی منفی گرا باشد که همیشه با بدبینی به افراد و حوادث ماحول خود بنگرد و یا فردی متهور و خوش خیال که از فرط اعتماد به هر کس و نا کسی، خویشتن را در منجلاب بلا گرفتار نماید.

3- نزدیکی و تماس فراوان رهبر با همکارانش در عرصهٔ کارشان، به وی امکان میدهد تا به توان و کفایت کاری آنها بهتر پی برد، همتهای شان را برانگیزد و از کارهای آنان تقدیر به عمل آورد و نیز مشکلات آنها را درک و برای حل آن چاره سازی نماید.

همچنین بازدید ناگهانی و غیرمنظم رهبر - در حد اعتدال - در شناخت افراد و موارد برشمرده شده، مؤثریت زیادی میتواند از خود بر جای گذارد.

4- مسئول موظف است در توزیع کارها و مشخص ساختن تخصصها دقت لازم را به گونه‌ی به عمل آورد که هیچ یک از جوانب کار از نظر دور نمانده و هیچگونه تداخلی هم در کارها ی تخصصی که موجب آشفتگی امور و یا معطلی آن گردد به میان نیاید .

5 - تشکیل و تنظیم کانالهای ارتباطی با تمام سطوح جماعت و ایجاد آسانی در نحوه‌ی برقراری ارتباط آنها و آنچه که منجر به سهولت در پیگیری امور میگردد و نیز اخذ مشوره و آراء و پیشکش سایر تعلیمات از جمله وظایف مهم رهبر محسوب میشود .

6 - رهبری باید در جهت بالا بردن مستوی همه جانبه‌ی افرادی که در پستهای مسئولیت قرار دارند ، سعی وافی به خرج دهد و آنان را برای بهره برداری از هر وسیله مفید آماده سازد .

7 - بسیار سودمند خواهد بود اگر رهبر برای مسئولین بخشها اختیارات کافی بدهد . این کار به آنان امکان میدهد تا اولاً وسایل بهتری را که میتوانند در تحقق اهداف به آنها یاری رساند به خدمت گیرند وثانیاً روحیه اقدام و جرئت مواجهه با سختیها و مشکلات را در وجود شان زنده سازد .

8 - رهبر باید روح همکاری و تعاون صادقانه را در میان مسئولین بخشها به وجود آورد. از آن جایی که مجالات کار با یکدیگر رابطه متقابل دارد و میان شان جدایی و فاصله یی نیست، ایجاد همکاری ذات البینی از جمله با ارزشترین امور لازم هر فعالیت و کارجمعی به شمار میرود.

9- شخص مسئول باید به خود عادت دهد که قبل از صدور فیصله ها علی الخصوص فیصله های مهم، با معاونین خویش به مشورت پردازد. این کار شعور مشارکت و همیاری در تحمل مسئولیت را در آنها برمی انگیزد و باعث اهتمام مزید شان در تنفیذ و اجرای مقررات میگردد و نتیجه آن - ان شاء الله - موفقیت قطعی خواهد بود.

10- بسیار با اهمیت است که اوامر و فرامین رهبر مشخص و مقصود آن توضیح گردد تا مورد مبهمی برای مجریانش وجود نداشته باشد. همچنان لازم است که اوامر صادر شده در حد توان افراد باشد و مجریانش کاملاً معین گردند تا بدون معطلی به اجرای وظیفه خویش اقدام نمایند؛ چرا که علت اساسی عدم اجرای دستورات اکثراً نامعلوم بودن مسئولین اجرایی است.

گفتنی است که رهبر نباید به هیچگونه تفریط و سهل انگاری در قسمت اجرای تعلیمات و مقررات تن در دهد در غیر آن به موقعیت با ارزش او لطمه بزرگی وارد خواهد گردید.

11- برگزاری جلسات دوره ای که منجر به برقراری هماهنگی و همکاری میان مسئولین بخشها میشود، بسیار نافع و سودمند است، چرا که طبیعت کارها به گونه ای است که علاوه بر ضرورت ارتباط، یکی مکمل دیگری بوده و احیاناً یکی موجب قوام و درستی دیگری میگردد. به هر حال این کار برای امحای نقاط منفی و رفع نیازمندی های جماعت و مسئولین خیلی مفید خواهد بود.

12 _ رهبر باید مواردی مانند ایجاد پیوستگی و تسلسل در برقراری ارتباطات و رساندن تعلیمات را دائماً مراعات کند و تخطیهای مسئولین را از اجرای این موارد در نظر داشته باشد، مگر در حالات اضطراری، آن هم تا حدی که این گونه تخطیها عمدی نباشد که باعث سلب اعتماد از آنها گردد، در غیر این صورت بی اعتنایی به موارد مذکور انعکاس بدی را بالای جو عمل و بهره برداری و روح تعاون در جماعت به جای میگذارد.

14 _ هنگامی که مسئول میخواهد شخصی را به جرم خطاهایش مورد محاسبه قرار دهد، باید نسبت به اوضاع و احوالی که جرم در آن واقع شده است، آگاهی و شناخت کامل داشته باشد، تا مبدا شخص خاطی را به جرمی مورد محاکمه قرار دهد که انجام آن در اوضاعی خارج از اراده اش صورت گرفته است. همچنین مسئول باید چنان ترتیبات عملی را اتخاذ نماید که عوامل و اسباب لغزش را در آینده محدود و محصور سازد.

لازم به ذکر است که هرگاه بعد از محاسبه، شخصی سزاوار سرزنش و مجازات گردید، این مجازات باید متناسب با لغزش و بر اساس عدالت و بدون قساوت و یا انتقام از خطاهای گذشته اش باشد تا باعث التیام جراحت گردیده و منتج به نفعی شود، نه اینکه خدای نخواست به بازگشت دوباره فرد به معصیت بیانجامد. البته اگر قوانین مجازات در لوایحی تنظیم شده باشد، بهتر است تا اینکه هیچ کس مجازات را

عقوبتی شخصی از جانب رهبر نپندارد. و رهبر باید به این نکته نیز توجه جدی کند که برای حفظ حیثیت و آبروی فردِ مسؤل، هیچگاه در برابر افراد زیر فرمانش او را مورد سرزنش و ملامت قرار ندهد.

14 _ بر رهبر لازم است که هنگام اخذ تصمیم برای پذیرش استعفای شخصی از کار و یا دور کردنش از صف جماعت به علت ارتکاب خطا و غیره، احتیاط فراوانی را به خرج دهد، چرا که جلوگیری از کار در راه دعوت الی الله در صلاحیت هیچ کس نیست، مگر در صورتی که ضرر ماندن شخص در صف جماعت از نفعش زیاد تر باشد که در آن صورت مصلحت جماعت ما فوق افراد قرار میگیرد. البته این کار هنگامی صورت خواهد گرفت که برای اصلاح شخص _ اعداراً الی الله _ جهد و تلاش کافی به عمل آمده باشد.

15 _ رهبر باید سوبهٔ افرادی را که به کار می گمارد و یا آنانی را که به علت خطاهایشان مورد محاسبه قرار میدهد، در نظر داشته باشد یعنی آن معامله را که با فرد ملتزم جماعت انجام میدهد، با فرد مبتدی به کار نبرد که باعث فرار وی از جماعت گردد و همچنین نباید با فرد ملتزم جماعت، همانند فرد مبتدی برخورد نماید که در نتیجه وی با اصرار در لغزشها، به وادی افراط در گناهکاری کشانده شود.

16 _ در مقابل محاسبهٔ لغزشها، تشویق و تشجیع و یاد آوری آنانی که به وظایف خود به نحو احسن رسیده گی کرده اند، نیز

ضروری می باشد. یعنی وظیفه مسؤل صرف دریافت خطاها و محاسبه افراد نیست بلکه باید دستاورد های ارزشمند را نیز به دیده قدر بنگرد و با تشویق و ترغیب، افراد را مورد تقدیر و ستایش قرار دهد. این کار موجب تقویت معنویات اشخاص گردیده، حس اعتماد و حس قدر دانی آنان را بر می انگیزد.

کار جماعت عملی است خالصانه در راه کسب رضای خداوند متعال، لهذا رهبر مؤظف است عموماً تمام برادران و خاصناً مسؤلین را مورد ارشاد قرار دهد و در همه حال آنان را متوجه پروردگار شان نماید و متذکر شود که انجام درست کارها گامی اساسی در جهت عبودیت به شمار می رود و باعث تقرب الی الله می گردد.

البته این توصیه ها باید در سایه محبت و اخوت صورت گیرد و به دور از هرگونه تجریح و آزار باشد و چه به جاست که در این مسیر مبارک سیره اسوه و مقتدای حسنه بشر جناب محمد رسول الله (صلی الله علیه و سلم) سر لوحه کار ما قرار داشته باشد؛ جایی که اگر به تصحیح اخلاق و اعمال مسلمانی مبادرت میورزیدند، بدون اشاره به فرد خاطی به قسمی که خود شخص نیز متوجه نمی گردید میفرمودند: بعضی از مردم از انجام چنین و یا چنان کار های ابا نمی ورزند...»

18_ هر مسؤل مؤظف است که شناخت و نظارتی دقیق در باره چگونگی روند کار و نحوه فعالیت افراد داشته باشد و با آنها در قسمت رفع مشکلات کاری و اجرایی شان همکاری کند.

برای مسؤل و رهبر شایسته نیست که فقط به صدور اوامر پرداخته و با این گمان خام که کارها به خودی خود، انجام میشوند، از مقر خود هیچگاه خارج نشود.

البته گفتنی است که برخورد حکیمانه و نرم دلانۀ مسؤل در صحنۀ عملی جماعت، متابعت از وی را به پایۀ اکمال میرساند، یعنی هنگامی که افراد متوجه شوند، هدف دستورات رهبر، نه عیبجویی بل اصلاح امور جماعت است، یقیناً با سعه صدر آن را میپذیرند و عملی میسازند.

19_ بسیار سودمند است که قیادت از کارها جهت اطمینان یافتن از درستی روند آن و تحقق مصالح دعوت و نیز از نظرات و پیشنهادات افراد اطلاع حاصل نماید و هرگونه نقد سازنده راجع به نحوه کار رهبری را بشنود و همچنین به استفتاءات افراد پاسخ مناسب ارائه دهد و نسبت به آن بی توجه نباشد.

طبیعی است که این کار اثرات مثبتی را بر روحیه افراد بر جای میگذارد و به آنها می فهماند که قیادت به ایشان و نظرات آنان ارزش قایل است.

20_ درک این مطلب برای قیادت بسیار ضروریست که پختگی و مهارت یک شخص در یک جانب مشخص کاری، دلیلی برای صلاحیت و مداخله وی در ابعاد دیگر شمرده نمیشود؛ به طور مثال یکی از برادران که به عنوان دعوتگری مؤثر و توانا در میان اقشار جامعه تبارز

کرده و یا نویسنده و مؤلفی که آثار مکتوب با ارزشی را در میدان دعوت به ارمغان آورده است؛ در بخش های اداری و تنظیمی و یا نظامی هم دارای همان لیاقت باشد و در این عرصه ها نیز جلو دار قرار گیرد، مگر در صورتی که کفایت و درایتش در این ساحات عملاً ثابت گردیده باشد.

21_ به تجربه دریافته ایم که حماسی بودن شدید افراد را نمیتوان دلیل حتمی بر قوت ایمان و شدت علاقه مندی شان به فداکاری در راه دعوت به حساب آورد. این گونه حرکات غالباً از کم حوصلگی افرادی ناشی میشود که می پندارند با حماسی بودن مطلق میتوان به پایان راه رسید و در اسرع وقت به اهداف دست یافت و به استراحت پرداخت! اما از آن جایی که هدف ما بزرگ و راه طولانی است، در این مسیر مبارک با ما، جز افراد صبور و متحمل و دارای نفس طویل نباید همراه گردند. بناءً خطرناک خواهد بود اگر ما در جایگاه های مسئولیت و مهم، افرادی عجول و احساساتی را بگماریم که در آن صورت به دلیل کم حوصلگی شان، بعد از مدتی به سوء تصرف و یا توقف حرکت از جانب آنان مواجه خواهیم شد.

22_ از وجایب دیگر رهبری این است که هرگاه جماعت با سختی و مشکلی مواجه شده و یا کدام هزیمت مقطعی در مبارزه و مقابله با دشمن رونما گردید، برای بالا بردن معنویات افراد به اقداماتی مبادرت ورزد و آنها را در چنگ ضعف و مأیوسیت رها نکند. الله _ جل جلاله _

مؤمنین را بعد از جنگ احد و حنین این گونه دلداری می‌دهد که:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۱۳۹) **إِنْ**
يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَذَلِكَ الْآيَاتُ نُنَادُوا لَهُمْ بَيْنَ
النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ
﴿۱۴۰﴾ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿۱۴۱﴾﴾

آل عمران: ۱۳۹ - ۱۴۱

(سست و اندوهگین نشوید ، شما برترید اگر مومن باشید. اگر به شما زخمی رسید به دشمن نیز مانند آن رسید و این روزگار را میان مردم تقسیم کرده ایم . و این برای آن است تا الله مومنان را معلوم نماید و از شما شهیدانی برگیرد و الله ضالمان را دوست ننمیدارد و همه این امور برای آن است تا الله مومنان را از شوائب کفر و نفاق پاک سازد و کافران را به نابودی کشاند.)

کوتاه سخن اینکه شکست ظاهری و مادی، مسلمان را تسلیم خود کرده نمی تواند و باید دانست که شکست حقیقی در اصل شکست قلبهاست!

د (ملاحظات عمومی:

در این قسمت میپردازیم به ذکر بعضی از ملاحظات عمومی یی که مراعات آن برای رهبر جماعت ضروری به نظر میرسد:

1_ طوریکه پیشتر نیز در رابطه با این موضوع به تفصیل سخن

رفته است، اهتمام به حفظ اصالت دعوت و دور نگهداشتن آن از گونه های مختلف انحراف باید در محراق توجه رهبری قرار داشته باشد.

2_ پیوند سابق و لاحق در میان مسئولین جماعت بسیار ضروری است و نباید در اثنای حرکت میان شان فاصله ایجاد شود. این کار بدان علت است تا مسؤول جدید بتواند از تجارب و یختگی های مسؤول سابق استفاده اعظمی کند و کار را از جایی پی گیرد که فرد گذشته آن را تا آن حد استمرار بخشیده است، نه اینکه دوباره از نقطه صفر آغاز به کار نماید.

3_ قیادت باید در برابر هرگونه تلاش از سوی دشمن و یا هر جهت دیگری که به قصد تسلط بر دعوت یا استخدام آن به نفع دیگران صورت میگیرد، جداً محتاط باشد و از انحراف جماعت و یا تهی ساختنش از محتوا و جوهر اصلی آن جلوگیری به عمل آورد. وی نباید در این زمینه به هیچ نوع مجامله و معامله یی تن در دهد. چرا که در اصل پایداری و صلابت توأم با حق و تدبیر رهبريست که در موافق مختلف میتواند رهگشا و چاره ساز باشد، نه کدام معامله و یا خوش آمد گویی.

4_ رعایت مقتضیات و مطلوبات کار دعوت یعنی سریت و یا علنی بودن بدون افراط و تفریط آن، نیز از وجایب رهبريست که در اثنای حرکت باید مد نظر گرفته شود.

5_ مورد دیگری که باید جداً رهبری به آن عنایت داشته باشد، دوری و احتراز شدید از مباح قرار دادن خون مسلمانی بدون حق

شرعی آن است. رهبر باید توجه داشته باشد که حتی از گفتن حرفی که ممکن است سبب استنباط کسی برای حلال شمردن خون انسانی گردد، پرهیز نماید.

در حدیثی که ابن عمر (رض) از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - روایت میکند چنین آمده است که رسول الله فرمودند: «لَنْ يَزَالَ الْمُؤْمِنُ فِي فُسْحَةٍ مِنْ دِينِهِ مَا لَمْ يُصَبْ دَمًا حَرَامًا»^۱ (مسلمان همیشه در دین خود با فراخی و آسانی همراه هست مگر زمانی که دستش به خون حرامی آلوده گردد).

به توفیق الهی بحث در باره قیادت و اماناتش و متصل آن صفات و اخلاق و ملاحظات که قائد را در قیام به حمل این امانات یاری میرساند، در اینجا به گونه یی مفید به پایان رسید.

حال میپردازیم به بحث سپاهیگری یا جندیت و آن چه بدان مربوط میشود.

سربازی و مقتضیاتش

امور اساسی یی که تحقق آن ضروریست:

فردی که در جماعت جهت تحقق اهداف اسلامی خود به فعالیت مشغول است باید برای پیاده ساختن امور اساسی یی که ذیلا به آنها اشاره میکنیم، سعی و تلاش خویش را مبذول دارد:

1_ درک این مطلب که پیوندش با اسلام دارای چه مفهومی است. یعنی بداند که ارتباطش با اسلام ارتباطی ارثی و شناسنامه ای نیست، بلکه اسلام و کار برای آن مسأله سرنوشت ساز وی میباشد و رسالتی است که خلقت او در این جهان برای آن صورت پذیرفته است. و نیز توجه داشته باشد که سعادت انسان در دنیا و آخرت منوط به التزام به اسلام و قیام در راه تحقق مقتضیات آن می باشد و هرگونه تقصیر در این میدان و مخالفت ورزیدن با آن، برایش گناهی است که حساب و جزای الهی را در پی خواهد داشت.

2_ شخص عامل در جماعت باید نسبت به طبیعت و ایجابات مرحله در حال گذر دعوت، آشنایی کاملی داشته باشد. یعنی درک نماید که دشمنان اسلام بر ضد آن به توطئه پرداخته، سرزمین های

اسلامی را اشغال و شریعت آن را از صحنه حاکمیت به دور رانده اند؛ دولت و خلافت مسلمین را سرکوب کرده اند و ملت‌های مسلمان را به فساد و انحلال، ضعف تفرقه مواجه ساختند. و همچنین بدانند که دشمنان اسلام این شعور را در ذهن مسلمین تحمیل نمودند که ما نیاز مند آنانیم و باید در برابر عقاید و خواسته‌های شان تسلیم محض باشیم!

بلی! دشمنان سوگند خورده اسلام بعد از اینکه در صحنه های نبرد مستقیم به وسیله خون شهدای ما شکست خوردند و از سرزمینهای ما اخراج گردیدند، دست از توطئه های بیشرمانه خود برنداشته و این بار مزدوران خود را برای تنفیذ برنامه های شان بر ما مسلط ساختند و از همه ظالمانه تر، شجره خبیثه و جرثومه سرطانی صیهونیزم را در قلب وطن بزرگ اسلامی ما نامردانه غرس نمودند...

3- دعوتگر مؤمن باید بداند که رهایی از این وضعیت ذلتبار، جز از طریق بازگشت راستین و صادقانه به کتاب مقدس خدا و سنت مطهر پیامبرش امکان پذیر نیست و فقط در پرتو این بازگشت است که مسلمان میتواند به عنوان شخصیتی با عزت، نیرومند و مؤمن به خدا و رسالتش در این جهان تبارز کند و این شعور واقعی در وی رشد نماید که او با این پیوند دینی اش در مقام استاد بشریت مسئولیت بزرگی را به دوش گرفته است.

4_ چیز دیگری که مسلمان باید بدان سخت معتقد و مؤمن باشد، ضرورت کار و عمل پیگیر برای برانگیختن عنصر ایمان در نفوس است؛ تا بدین وسیله قوت و هیبت از دست رفتهٔ مسلمین اعاده شود. البته این هدف متعالی جز با اقامهٔ دولت و خلافت اسلامی تحقق یافته نمیتواند؛ دولتی که باعث نیرومندی مسلمین میگردد و هر نوع خصومت راجع به سرزمین، معنویات و نوامیس شان را از میان میبرد و سرزمین های دربند، علی الخصوص فلسطین و اقصی اولین قبله و سومین حرم مسلمین را از تسلط دشمنان بیغیرت و متجاوز اسلام رهایی میبخشد.

5_ دیگر اینکه فرد مسلمان شعور و علم کافی داشته باشد که تلاش برای اقامهٔ دولت اسلامی وجیبهٔ مهم هر فرد و زن مسلمان به شمار میرود؛ امری که اختیاری نبوده و در صورتی که مسلمین برای تحقق این هدف مقدس به کار و فعالیت نپردازند در حضور پروردگار خویش گنهکار محسوب گردیده و جوابی نخواهند داشت .

6_ و بدانکه ادای این وجیبهٔ بزرگ (اقامهٔ دولت اسلامی) به طور فردی ممکن نیست و مسلمین با اشتراک در یک کار جمعی منظم بعد از آن که تمام تلاش شان را در یک جهت متمرکز ساختند، میتوانند موفق به اقامهٔ این بنای بزرگ شوند .

7_ بنا بر قاعدهٔ شرعی معروف (مالایتم الواجب الابه فهو واجب) کار جمعی برای اقامهٔ دولت اسلامی واجب شمرده میشود و طوریکه

اغلب مردم معتقدند کار فردی بدون جماعت برای ادای این مسؤولیت کفایت نمی‌کند.

8_ برای فرد مسلمان لازم و ضروریست که بعد از درک واجب بودن کار جمعی، در جستجوی جماعتی جهت آغاز کار خود باشد. این انتخاب از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است، تا مبدا خدای نخواستہ به بذل وقت، مجاهدت، مال و نفس خود در راهی غیر درست مبادرت ورزد. لذا میبایست در انتخاب جماعت سرعت به خرج ندهد و هرگاه حقیقت جماعتی برایش کاملاً ثابت گردید و بر آن اعتماد کامل حاصل نمود آن گاه جهت شمولیت در آن اقدام نماید.

9_ چیزی که انسان را بر شناخت و انتخاب درست جماعت کمک میکند، داشتن صفات اساسی‌ی است که باید در جماعت وجود داشته باشد. از اهم این خصوصیات اولاً داشتن ایدۀ اقامۀ دولت جهانی اسلام است که باید جزء لایتجزای منهج آن قرار گرفته باشد. دو دیگر داشتن فهمی شامل و خالص از اسلام بدون کدام جز گرای و انحراف است. سدیگر پیروی از طریق رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در تحقق اهداف جماعت میباشد. طوریکه تمام مقومات اساسی آن از جمله؛ قوت ایمان و عقیده، قوت وحدت و یکپارچگی و سپس نیروی بازو و سلاح به ترتیب مد نظر گرفته شده باشد. چهارم این که میدان عمل جماعت مورد نظر باید منحصر به منطقه خاص نباشد بلکه تمام ساحۀ اسلامی را زیر پوشش خود قرار دهد، مگر اینکه جماعت او به

عنوان مهرهٔ هماهنگ کننده با حرکت حاضر در ساحه، در منطقهٔ خاص قرار گرفته باشد. در اخیر اینکه جماعت مورد توجه ما باید از پختگی، تجربه و زیرکی لازم برخوردار باشد.

10_ فهم این موضوع برای فرد مسلمان ضروریست که اصل در اسلام، اجتماع کلمه و توحید صفوف مسلمین است نه تشتت و پراکنده گی در تحت پرچمهای مختلف. اسلام ما واحد، هدف ما واحد و راه ما واحد است و خدای واحد ما را به وحدت و یکپارچگی فرا خوانده و میفرماید:

﴿وَأَعِصُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ آل عمران: ۱۰۳

و ما را از تفریق و تنازع باز داشته و میفرماید:

﴿وَلَا تَنزَعُوا أَعْنَافُكُمْ أَتَذَرُكَ﴾ الأنفال: ۴۶

(منازعه نکنید که سست میشوید و قوت تان از میان میرود)

ملاحظه کردیم که هیچگونه جواز شرعی برای بالا بردن پرچمهای متعدد تحت پوشش کار برای اسلام وجود ندارد.

11_ زمانی که فردی میخواهد جماعتی را برای خود برگزیند، لازم است تا با آزادی و اختیار کامل بدون کدام حرج و اکراه و یا مجامله یی به این کار اقدام نماید؛ چرا که قضیه در این جا خطیر و سرنوشت ساز بوده، مشکلات و مسئولیتهای را حتماً در پی دارد. لذا بر اوست که بعد از انتخاب و اختیار جماعت به وسیلهٔ شکوکی که دشمنان دانا و بعضی از مسلمانان نادان در بارهٔ جماعت، ایجاد مینمایند، متأثر نگردیده و

راهش را با جدیت دنبال نماید.

12_ دیگر اینکه کار در جماعت دارای شروط و التزاماتی است که شخص باید آن را علماً دانسته و آماده گی کامل به پایبندی و اجرای آنها داشته باشد و در این صورت است که جماعت میتواند به اهداف خود به درستی دست یابد. در غیر این صورت هرگاه شخص دارای چنین آماده گی یی نبود، بهتر است تا از پیوستن به جماعت خودداری ورزد.

13_ واضح است که کار در میدان دعوت نه برای اشخاص بلکه خاص در جهت رضای خداوند (جل جلاله) است و اجر و پاداش آن مربوط به ذات اقدس باریتعالی است. بناءً این کار اخلاصی صادقانه را می طلبد و فرد مسلمان توجه داشته باشد که در واقع تعهد و بیعتش با رهبر جماعت، بیعت با خدا میباشد و التزام، وفا و عدم نقض از خصوصیات چنین پیمانی است:

﴿إِنَّ الَّذِي يَبْعُوكَ إِنَّمَا يُبْعُونَكَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُورٌ بِهِ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (الفتح: ۱۰)

(آنانیکه با تو بیعت میکنند یقیناً با الله بیعت میکنند؛ دست الله بالای دستهای آنان قرار دارد و هرکس که این پیمان را نقض کرد در واقع خود را نقض کرده و آن کس که بر عهد خدایی اش استوار ماند،

خدا با اوست و به زودی برایش مزدی بزرگ را منظور خواهد کرد.)

14 - فرد مؤمنی که وارد صف دعوت میگردد، باید چنین احساسی داشته باشد که او با هم‌رکاب شدن با مردانی صادق و عاملینی مخلص به اسلام، وارد خیری بس بزرگ گردیده است؛ به گونه‌ای که این احساس چنان حرص شدیدی را در وی برانگیزد که هیچگاه دچار کوتاهی و دوری از جماعت نشود و بر علاوه خویشتن را به وسیله صبر و تحمل، برای پذیرش سختیهای راه - چه از داخل و چه از خارج صف - آماده و تربیت نماید.

باید دانست که کار دعوت مانند سایر وظایف دنیوی نیست که اگر در یک مؤسسه آن را نیافتیم، در مؤسسه دیگری به جستجویش بپردازیم؛ بلکه کار دعوت امری اخروی است که دارای اهدافی معین و راهی واحد است و راه دیگری از جمله تکروری به آن منتهی نمیشود.

15- برای شخص مؤمن ضروری است که بداند در مسیر دعوت لازمی ترین ارزش دوام مراقبت از خود، در برابر الله (جل جلاله)، یاد آخرت و آماده گی برای آن و همچنین پیمودن مراحل سلوک در جهت کسب رضای الله (جل جلاله) با عزم و همتی استوار است و فرد باید به وسیله انجام نوافلی مانند قیام الیل، روزه حدافل سه روز در ماه، کثرت اذکار قلبی و زبانی و تمسک به دعا های مأثور هرچه بیشتر خود را به مولایش نزدیک و نزدیکتر سازد.

پایندی افراد به روشها و التزامات جماعت :

1- شخصی که کار در جماعت را برایش برمیگزینند باید به کارش باور قوی و کامل داشته باشد؛ به گونه‌ای که کارش با ارزشترین مهم در نزد وی تلقی شده و اصلی ترین وظیفه باشد که به آن مشغولیت دارد.

امام حسن البناء در این باره میگوید :

« وظیفه مهم مسلمان حقیقی را خداوند در یکی از آیات قرآن مجید مشخص کرده و بعد به طور مکرر در آیات دیگری به شرح آن پرداخته است و در این آیت چنین اشاره میشود:

﴿يَتَذَكَّرُ الَّذِينَ آمَنُوا أَرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ﴿٧٧﴾ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ بَلَّةً أَيْكُمْ إِذْ رَأَيْتُمُ هُوَ سَمَنَكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ الْرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ ﴿٧٨﴾ الحج: ٧٧ - ٧٨

(ای مومنان! رکوع و سجده کنید و خدای تان عبادت نمایید و به کار خیر مبادرت ورزید شاید که به رستگاری نایل شوید. و در راه الله چنان که شایسته اوست جهاد کنید، او شما را برگزیده است و در دین برای شما سختی نیاورده است. شما ملت پدر خود ابراهیم هستید، او شما را از قبل مسلمین نامید و در این قرآن نیز چنین است، تا در این کار پیامبر شاهد شما باشد و شما گواه مردم. پس نماز را برپا دارید و

زکات را بپردازید و به الله متوسل شوید، او دوست شماست و چه خوب دوست و نصرت دهنده ای است.)

2- برای فرد شاغل در جماعت واجب است که به کار محوله خود احاطه کامل داشته باشد؛ تا بدین وسیله بتواند آن را به خوبی انجام دهد و اهداف جماعت خود را برآورده سازد. و همچنین برای وی لازم است تا هستی خود را تماماً با رضا و رغبت در راستای اصلاح کار دعوی خود قرار دهد و حتی امور شخصی مانند کار، مسکن، ازدواج، سفر وغیره را نیز در خدمت مصالح دعوت بگذارد؛ تا از تمامی اینها به نفع دعوتش بهره برداری نموده باشد .

3- برای اینکه فرد بتواند عنصری صالح و فعال برای پیاده ساختن اهداف و آمال جماعت خود باشد ، باید لزوماً آماده گیهای همه جانبه را در خود ایجاد نماید؛ راجع به این مطلب امام شهید (رحمه الله) چنین میگوید :

« اسلام از فرد میخواهد تا برای جداکردن زیبایی از زشتی، وجدانی حساس و لطیف و جهت شناسایی صواب از خطا ،ادراکی عالمانه داشته باشدو نیز برای اینکه در راه حق عنصری ضعیف و ناتوان نباشد، از اراده استوار بهره مند بوده و برای انجام بهتر واجبات انسانی خود میبایست از جسمی سالم و نیرومند برخوردار باشد؛ تا بدین گونه انسانی شود صالح و مستعد نصرت حق و آماده برای برآورده ساختن اهداف متعالی خود.»

4- فردی که حیات خویش را وقف در راه الله و اعلای کلمه پروردگارش میسازد، باید به وسیله اخلاص نیت و خلای قلب از امراضی چون ریا، حب زعامت، حب ظهور و بروز، حب جاه و مناصب دنیوی و سایر امراض قلبی بی که موجب حبطه اعمال و بار آمدن زیان و خسران میگردد، خویشتن را مصونیت بخشد، چرا که خداوند متعال جز عمل خالصانه را نپذیرفته و بر علاوه وجود این گونه امراض باعث ایجاد مشکلات و مصائبی درصاف جماعت نیز میشود. لهذا اگر جماعت از این نوع امراض رهایی یافت - ان شاء الله - از چنان پیکره سالمی برخوردار خواهد شد که توان نفوذ برای هیچگونه مکروبی در آن باقی نخواهد ماند.

5- کسیکه وارد دعوت میشود، باید بداند که پایبندی اش به نظم جماعت و لوايح و مقررات آن امری اساسی جهت تضمین درستی روند کار و برآورده شدن اهدافش بوده و نیز وفای به عهد و پیمان، طاعتی است خدایی که از جمله بهترین عبادات به شمار میرود و همچنین اطاعت از امیر - در غیر معصیت - اطاعت از الله است. در روایتی از جناب ابوهریره [آمده است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند :

» مَنْ أَطَاعَنِی فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِی فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ أَطَاعَ

أَمِيرِي فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَى أَمِيرِي فَقَدْ عَصَانِي»^۱

(هر کس از من اطاعت کرد از الله اطاعت کرد و هر کس از من سرپیچید از الله سرپیچید و کسی که از امیر اطاعت کرد از من اطاعت کرد و کسی که از وی سر پیچید از من سرپیچیده است.)
 ۶- مورد دیگری که شایسته و شایان توجه میباشد و فرد باید بدان توجه و التزام داشته باشد، فهم صحیح و همه جانبه اسلام است؛ فهمی که به دور از هرگونه جزگرایی، انحراف و خطاست.

آری: فهمی را که مورد توجه و پسند جماعت ماست امام شهید اولین رکن از ارکان بیعت قرار داده و اصول ده گانه را چون حصاری بر دور آن جهت محافظت از هرگونه انحراف وضع کرده است. لذا به تمام افراد، پایبندی به این فهم و عدم تسامح در برابر نفوذ افکار مکاتب مختلف، که برای ایجاد تفرق و تشتت در صف جماعت میکوشند؛ ضروری و بدیهی است و نیز بر هر فرد شامل جماعت واجب است به خاطر وفای به عهدش در هنگام صحبت و یا نوشتن، التزام و عدم مخالفت خود را با فهم جماعت خویش در نظر داشته و رعایت نماید و حتی بالاتر از آن هر شخصی به عنوان نگهبانی امین مؤلف است این فهم را از هر نوع دستبرد، انحراف و تغییر از جانب هر مقامی که باشد محافظت و حراست کند و آن را سالم به دیگران منتقل نماید.

7- هر شخص مؤظف است کار خود را بر مبنای روش و برنامه که جماعت آن را مشخص ساخته، دنبال نماید؛ تا بدین طریق - ان شاء الله - هدف بزرگ جماعت یعنی اقامه حکومت اسلامی بر آورده شود. برای رسیدن به این مطلوب اولاً لازم است تا فرد مسلمان به عنوان نمونه و الگویی صحیح و ثانیاً خانواده مسلمان که براساس تعالیم اسلامی و تقوا از روز اول شکل گرفته است، تربیت گردیده و سپس جامعه بی به وجود آید که متکی بر این ذخایر ارجمند باشد و بلاخره اینچنین است که حکومت اسلامی میتواند بر روی این ستونهای قوی و مستحکم - ان شاء الله - استوار شود.

البته باید توجه داشت که این عملیه در سطح تمام ملتها و جوامع مسلمان صورت میگیرد و منجر به اتحاد و یکپارچگی امت و حکومتهای اسلامی و شکل گیری دولت جهانی اسلام که در رأس آن خلافت اسلامی قرار دارد- ان شاء الله - خواهد گردید. لذا هر فرد باید جدا توجه داشته باشد که هرگونه مخالفت با روش و ترتیب ثابت جماعت، نتایج خطیری را در پی دارد و اگر بدون توجه به آن بنایی هم ساخته شود، بر اساسی ضعیف و لرزان خواهد بود که هرگز در مقابل توطئه ها و تهدیدات دشمنان جهانی ما مقاومت کرده نخواهد توانست.

8 - بر هر فرد لازم است که برای پاسداری از اهداف جماعت خود و حفاظت آن از هرگونه تغییر و جزء گرایی به عنوان نگهبانی امین و

صادق به پا خیزد.

9- هر فرد جماعت باید خویشان را برای جهاد فی سبیل الله با جان و مال آماده نموده و به علم الیقین بداند که هرگز عداوت دشمنان اسلام متوقف نخواهد شد و اهداف دعوت ما تحقق نخواهد یافت مگر به وسیله جهاد فی سبیل الله این فریضه مقدس و مستمر الهی.

پس سرباز دعوت باید نیت جهاد و محبت شهادت را صفت دائمی خود سازد و خویش را برای آراسته شدن به صفات مؤمنین و برقراری معامله سودمند با پروردگارش آماده سازد.

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِآبٍ لَهُمُ الْجَنَّةُ﴾ التوبة: ۱۱۱

(الله از مومنان جانها و مالهایشان را در بدل جنت خریده است) همچنین برادر مجاهد ما باید از انواع کششها و جذبات مادی مانند انواع اساسیه و زیورات و امثال آن احتراز و دوری کند تا هنگام شنیدن نفیر جهاد، خدای نخواستہ گرانباری، زمینگیرش نکرده و به عذاب الیم گرفتارش نسازد. البته در این صورت یقینا خداوند کسانی دیگر را برای جهاد برخواهد گزید و باید دانست که الله از ما و جهاد ما بی نیاز است :

﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ﴾ العنکبوت: ۶

(کسی که جهاد میکند برای خویش مجاهده کرده است.)

10- سپاهی مسلمان باید بداند که اولین مرتبه جهاد، تنفر قلبی از

منکرات و بالاترین آن جنگیدن در راه خداست و میان این دو، جهاد به وسیله دست، زبان، قلم و اظهار کلمه حق در برابر حاکم ستمگر قرار گرفته است.

پس باید دانست که دعوت بدون جهاد شکل نمیگیرد و هر اندازه که دعوت عظیم و از وسعت زیاد تری برخوردار باشد، به همان مقدار جهاد و تلاش مورد نیاز دارای عظمت زیاد تری است و مقدار بهای که در راه آن به مصرف میرسد زیاد تر و سنگینتر خواهد بود و به همین ترتیب مزد و ثواب عاملین و مجاهدین نیز به همان پیمانه زیاد تر و زیاد تر است.

جوانان مؤمن دعوت باید این نقطه حساس را درک نمایند که بعد از سپری شدن مرحله فعلی دعوت، دوران جهاد و مبارزه فرا میرسد و سپس - ان شاء الله - عصر برقراری حکومت اسلامی فرا خواهد رسید. لهذا نسل جوان ما میبایست خود را آماده نگه دارند، فقه جهاد و مبارزه در اسلام را بیاموزند. البته نباید از نظر دور داشت که تعیین زمان و میدان جهاد از جمله وظایف رهبری است و به افراد غیر مسئول ارتباطی ندارد و افراد باید از مداخلات فردی و بیموردی که ممکن جماعت را در وضعیتی قرار دهد که آماده گی آن را ندارد؛ جداً پرهیز نمایند.

11- مجاهد مسلمان باید خویشتن را با تمام وجود آماده پذیرش

هر نوع فداکاری در راه الله سازد و در طریق دعوت از بذل جان، مال وقت و علم خویش دریغ نورزد.

دعوت ما توجه به یک بعد را تأیید نمیکند، بلکه خواهان اینثاری همه جانبه است و پرواضح است که تلاش و فداکاری ما در این راه مقدس بی نتیجه نیست و اجری که در نزد مولا (جل جلاله) برای ما ذخیره میگردد، بسیار بزرگتر و با اهمیتتر است :

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْشُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٠﴾﴾
التوبة: ۱۲۰

(هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند)

و انذار خداوند در بارهٔ آنانی که در راه الله بخل می‌ورزند چنین است:

﴿هَٰذَا نُمَتِّعُكَ هَٰؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ ﴿٣٨﴾﴾ محمد: ۳۸

(شما همان [مردمی] هستید که برای اتفاق در راه خدا فرا خوانده شده‌اید پس برخی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده و [اگر نه] خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتابید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود)

12- از آن جایی که هر فرد جماعت، مرزبان و سنگردار است که در راستای اجرای وظایفش مسئولیتهای سنگینی را به عهده دارد، باید خود را به ثبات و پایداری در راه دعوت عادت دهد و با افزایش زمان و مشکلات راه دچار سستی نگردیده و از تعقیب هدف خود باز نماند، تا اینکه با پروردگارش طوری ملاقی شود که مسئولیتهای خود را به نحو احسن به انجام رسانده، مزد و پاداش صادقین را دریافت نماید:

﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (٢٤) الأحزاب: ٢٤

(تا الله صادقان را به سبب صدق شان پاداش بخشد و منافقین را اگر خواهد عذاب کند و یا توبه شان را بپذیرد . بیشک الله بخشنده و مهربان است.)

13- دریافت این حقیقت برای منسوبین جماعت ما ضروریست که سختیها و ابتلاآت در دعوتها، جزء سنت تغییر ناپذیر الله (جل جلاله)

به شمار می‌رود. لهذا باید برادران ما با تأسی و اقتدا به بهترین اسوه بشر، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وسلم) صبر و تحمل را در برابر ایذا و آزارها، پیشه سازند.

برای افراد جماعت ما شایسته نیست که فشارها و سختیهای وارد آمده بر جماعت را شکننده و مرگبار تلقی نمایند، بلکه حقیقت این است که سختیها موجب تصفیه و صیقل جسمی و روانی مؤمنین و نیز صف جماعت می‌گردد.

بلی! شدت یافتن مصائب و طولانی شدن زمان، نباید مجاهدین را به یأس و ناامیدی مبتلا سازد و یا تحت تأثیر شک اندازان و پروپاکندهای ناروای شان، آن را نتیجهٔ خطا و تقصیر قیادت بدانند.

14- شخص مؤمن و سرباز دعوت، بایستی دوستی خود را با دعوتش خالص گرداند و خود را از هرگونه دوستی غیر خدایی - چه فکری و چه شخصی - برهاند، هرچند که آن شخص از جملهٔ عزیز ترین نزدیکانش باشد:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمِ لَهُمْ إِنَّا بَرَاءُؤُنَا مِنْكُمْ وَهُمْ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ ۖ﴾ الممتحنة: ٤

(قطعاً مقتدای نیک شما ابراهیم و کسانی هستند که باوی بودند، آن گاه که به قوم خود گفتند ما از شما و آن چه که به جز الله می پرستید بیزاریم و از شما منکریم، و میان ما و شما دشمنی و خصومت تا ابد به وجود آمد، تا این که به الله یگانه ایمان بیاورید)

این مجرد دعوی، جهت تضمین استمرار عمل و محافظت عاملین دعوت از هرگونه بی قیدی و پراکنده گی، ضروری و لازمی به نظر می آید و از ضرر دوستی های چند جانبه جلوگیری به عمل می آورد. پس در این مسیر هر فرد میبایست ملتزم به تعلیمات دعوت خود باشد و از برقراری رابطه فردی با کدام حزب و گروه و پیمان بستن با آنها و یا مشارکت در حکومت و غیره جداً خودداری نماید.

15- هر برادر ما باید محضاً لله با سایر برادرانش به مبادله صحبت و اخوت پردازد، تا بدین وسیله قلوب و ارواح، با پیوند عقیده که مستحکمترین و جاودانه ترین پیوند هاست با هم ارتباط یابد. پر واضح است که وحدت رمز قوت و نیرومندی محسوب میشود اما باید توجه داشت که وحدت بدون محبت به وجود نمی آید و محبت دارای درجاتی است که پایین ترین درجه آن پاکدلی و ذروه سنماش ایثار و فداکاری میباشد. برادر ما باید در بالاترین حد آن قرار داشته باشد و همیش سایرین را بر خویشتن ترجیح دهد و بداند که او بدون برادرانش نتواند بود حال آن که ایشان بدون وی بوده میتوانند و
 «فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذَّنْبُ الْقَاصِيَةَ»^۱
 (همانا گرک گوسفند تنهاگرد را میخورد)

« إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا »^۱

و مؤمن برای مؤمن مانند دیواری است که خسته‌هایش یکی دیگری را نگه میدارد.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ التوبة: ۷۱

(مردان و زنان مومن دوستان و مددگاران یک دیگر اند)

باید دانست که شیطان و دستیارانش از وجود وحدت و محبت در صفوف مسلمین سخت به خشم می آیند و برای نابودی آن با تمام نیرو میکوشند؛ لذا یکی از مهمترین وجایب هر برادر احتراز و دوری جدی از این دسایس و وسوسه های شیطانی است. هرگونه بی میلی و تفریط در راه ایجاد اخوت و محبت به منزله شکستن و متروک گذاشتن رکن اخوت است که از ارکان مهم بیعت در جماعت ما به شمار میرود. پس هر برادر ما باید سلیم الصدر بوده از غیبت و سخن چینی به طور قطع احتراز کند و علاوه بر اینکه کسی را به شنیدن آن تشجیع نکند دیگران را نیز نصیحت نماید تا در این منجلاب فرو نروند.

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ يَلْتَمِسُ أَنْ الشَّيْطَانُ كَاَنَ لِلْإِنْسَنِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (الاسراء: ۵۳)

(و به بنده گانم بگو، که سخن نیکو بگویند، چرا که شیطان میان شان جدایی می افکند . همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار

است.)

16- برادر ما در جماعت مؤظف به پذیرش دستورات رهبر خود است و باید جهت اجرای این فرامین در حالات سختی و آسانی، خوشی و ناخوشی - در صورتی که فرمان به غیر معصیت باشد - تمام سعی و تلاش خود را به کار ببرد. مبرهن است که جماعت بدون موجودیت افرادی که برای رضای الله دستورات رهبر خود را شنیده و اطاعت نمایند، نمیتواند هدفی را برآورده و یا وعده را وفا کند. ناگفته نماند که اطاعت از امیر اطاعت خداست و هرگونه امتناع یا حتی تردید در اجرا و تنفیذ اوامر وی، کار را به مخاطره افکنده و به منزله نقض بیعت است. لذا در جماعت ما کمال اطاعت، قبول دستور مشروع رهبر است هر چند بر خلاف نظر فرد نیز باشد.

17- مورد دیگری که باید مورد توجه هر فرد در جماعت ما قرار داشته باشد حرکت در جهت ازدیاد اعتماد میان او و رهبری است. هر اندازه که اعتماد میان رهبر و افرادش قوی باشد به همان پیمانه نظام جماعت و قواعد و برنامه های آن از استحکام، توان و قوت خاصی برخوردار است و پیروزی، غلبه بر سختیها و نیز جلوگیری از پیامدهای ناگوار جماعت را تضمین خواهد کرد. چه بسا دشمنان ما برای نابودی این اعتماد به اسالیب و روشهای مختلفی متوصل شده به پخش شکوک و وارد کردن اتهامات باطل می پردازند؛ به این حساب

ضروریست تا نه تنها برادران ما به این گونه دسایس شوم هوشیارانه بی توجهی نمایند و ارتباط خود را با رهبر شان مستحکم ساخته و در اجرای وظایف با وی سهیم شوند؛ بلکه به دفاع از وی پرداخته و از او تبعیت نمایند.

رهبر رمز جماعت ما بوده و بزرگداشت و احترام او، بزرگداشت کار و فعالیت اسلامی ماست.

مطلب دیگری که باید مورد توجه دقیق برادران ما باشد این است که از هرگونه تخریب قیادت در داخل و یا خارج صف جداً پرهیز کنند البته این بدان معنی نیست که هرگونه ملاحظه، نقد و نصیحتی که به منظور خیر و صلاح باشد از طرق مباشرین و یا مجرای شرعی آن نیز به رهبر رسانده نشود.

18- برای برادر عامل در جماعت ضرور است تا حس ششم خود را خصوصاً برای دعوت خویش به جمع پنج حس دیگرش بیافزاید، این کار زمانی میسر خواهد بود که دعوت، فرد را تماماً در بر گرفته و به گونه زیر فرمانش در آورد که با اعصاب و مشاعر و وجدانش آمیخته و عجین گردد؛ در چنین حالتی فرد، هر موردی را که حس نماید برای دعوتش خیر است با سرعت برای کسب آن اقدام میکند و اگر شر باشد جهت رفع آن وارد عمل میشود و همچنین این احساس وادارش میسازد که دائماً مشغول تفکر در امور دعوت و آینده آن بوده و طوری مسؤلانه بباندیشد که گویی در مقام مسؤل کل جماعت قرار دارد و به

همین لحاظ برخورد لازم میگرداند که به تمام جوانب و ابعاد کار و مقتضیات آن نظر به ارتباط ذات البینی آنها با هم - احاطه کامل داشته، ملاحظات و نصایح خویش را برای بهبود کار دائماً پیشکش کند.

19 - هر برادر ما شخصیت ممتاز اسلامی یی است که دائم در جستجوی حق بوده و با کمال متانت و قوت در کنار آن می ایستد، او مرد جدیت و عمل است و بدین مطلب توجه دارد که از جدال و قیل و قال پرهیز کند، او میداند که وظیفه ما سنگین، خطرهای آشکار و دشمن درکمین است و میدان دعوت جایی برای جولان این گونه کارهای بیهوده نیست که جز اختلاف و تفرقه را به دنبال ندارد و نیز برای برادر ما لازم است که فردی شجاع و متحمل باشد و بهترین شجاعت صراحت در حق، کتمان اسرار، اعتراف به خطا، مراعات انصاف در حق نفس خویشتن و کنترل آن هنگام غضب و خشم است.

20 - افراد جماعت باید از روشهای ناپسند حزبی یعنی تجمع و شمولیت در اطراف اشخاص و یا جریانهای ملی گرا و غیره اموری که با آداب و تعالیم اسلامی منافات دارند، به جد اجتناب کنند؛ چرا که این گونه حرکات باعث ایجاد دشواریها و شگاف در صف جماعت میگردد و کار آن را برای تحقق اهدافش به تعویق می اندازد.

21 - هر برادر در جماعت پاسدار مرز و سنگریست. بناءً باید جلو نفوذ دشمن را که میکوشد با رخنه در صف جماعت فضای کار و روح

اخوت و همکاری را فاسد سازد و از میان ببرد، در منطقه مربوط خود سد نماید. و بر برادر ما لازم است که فریب روشهای متقلبانه دشمن را نخورد و نگهبان امینی برای جماعت در برابر تلاشهای استیلاجویانه و منحرف کننده آنها باشد.

22- بر هر فرد واجب است که از به وجود آوردن مشکلات در صف جماعت و دیگر میادین کار جداً خودداری کند، قیادت و برادران خود را به مجادلات شخصی که میان او و سایرین موجود است مشغول نسازد. اختلافات خود را تا حد ممکن با استفاده از گذشت و عفو و کظم غیظ از میان بر دارد. شخص باید توجه داشته باشد که مشغول ساختن قیادت به چنین امور بیهوده‌ی بی ضرر دعوت است و مسئولیت این کار در برابر خداوند به دوش او گذاشته میشود.

23- چیز دیگری که باید هر فرد به آن ملتزم باشد، میانه روی و عدم افراط و تفریط در تمام امور است. این کار او را برای قرار دادن امور در مسیر درست آن بدون هیچگونه لغزش و انحراف یاری میرساند و دوام محبت و علاقه صمیمانه او را با برادرانش و سایر مسلمانان تضمین میکند.

24 - با در نظر داشت حدیث مبارکه: (الْمُؤْمِنُ مِرْأَةُ الْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةُ)^۱ افراد جماعت باید همدیگر را نصیحت و توصیه به حق و

1- سنن ابی داود - (13 / 76) عن ابی هریره]

صبر نمایند و اگر احیاناً کسی در مورد برادرش مرتکب خطایی گردید، شایسته است تا طریقی درست و توأم با حکمت و محبت برای معالجه خاطی در پیش گرفته شود تا بدین وسیله هدف ما که خیر است تحقق یابد؛ نه این که خدای نخواست به چنان روش نادرستی متوسل شویم که باعث تنفر و سقوط بیشتر شخص در لغزشهایش گردد.

25- شعار هر شخص باید این باشد که اصلاح را از خود آغاز و سپس به دعوت دیگران اقدام کن. به همین اساس است که فرد باید دائماً به بالا بردن مستوی اخلاق و تربیت خویش پردازد. این کار موجب قرب وی به خدا گردیده و در برابر هجوم مشکلات و دوری از کمبودیها و همچنین استمرار حرکت او را یاری میرساند.

برادر ما باید برای کمایی هرچه بیشتر زاد تقوی بکوشد و برای ازدیاد صف عاملین صادق دعوت، تمام سعی و تلاش خود را مبذول دارد. البته لازم به تذکر است که دعوت به شیوه فردی آسانترین و نافعترین راه برای افراد عادی یی است که توانایی دعوت عامه به وسیله خطابه و غیره را نداشته باشند.

26- ایجاد رابطه و تعامل نیک با سایرین خصوصاً با آن عده افرادی که به نحوی در میدان وسیع دعوت مشغول فعالیت هستند برای هر برادر در جماعت ما لازمی و بدیهی است. هر برادر باید توجه داشته باشد که جماعت خود را فوق سایر جماعتهای اسلامی قرار ندهد و

اشخاص سایر جماعتها را مجروح نساخته، عداوت هیچ یک از مسلمانان و خاصتاً گروه های اسلامی را بر ضد خود و جماعتش برنینگیزد.

27- سرباز دعوت میبایست نسبت به وقت خود حر یص، در کار خود منظم، برای غیر خویش نافع، برکسب و کار قادر و با نفس خود مجاهد بوده، از فتنه مال، زن، فرزند و غیره متاع دنیوی بپرهیزد.

28- مسأله خانه و خانواده از جمله مهمترین موضوعاتی است که باید هر فرد جماعت بدان اهمیت خاصی قایل باشد. تفصیل موضوع چنین است که زنی نیک اختیار نماید و با وی به نیکی معامله کند. راجع به حقوق و واجباتش او را آگاهی بخشد، تعالیم و آداب اسلامی را در تمام جوانب زنده گی خانواده گی از جمله در لباس، احکام حلال و حرام و در خورد و نوش و غیره به وی بیاموزاند و همچنین بر اساس مفاهیم و معانی دعوت با وی زنده گی کند و نسبت به تربیه اولاد و خدمه خویش اهتمام و جدیت کامل به خرج دهد.

29- افراد جماعت ما باید امیدواری و اطمینان کامل داشته باشند که آینده به یاری و اذن خداوند بزرگ از آن اسلام است و در نهایت این شب طویل و ظلمانی را طلوعی روشن و مبارک نقطه پایان خواهد گذاشت.

آری طلوعی که نصرت الهی را در پی دارد و با امحای باطل دین خدا را در زمین خدا تحقق خواهد بخشید ان شاء الله.

30- اگر احیاناً در کدام صحنه‌ی، جماعت ما در مقابله با دشمن دچار شکست یا ضعفی شد، برادران ما نباید روحیه خویشت را از دست بدهند. چرا که این عمل دارای پیامدهای مضر برای صف جماعت و کار اسلامی ما خواهد بود. و باید به طور جدی متوجه این حقیقت باشیم که شکست حقیقی شکست قلبها است و اگر ضعف و سستی به آن سرایت نمود یقیناً انسان را دچار خواری و ذلت میگرداند. و روی همین ملحوظ خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و میفرماید:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۱۳۹)

آل عمران: ۱۳۹

و تا آخر آیت جایی که این مثل را بیان میفرماید:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۱۳۹) آل

عمران: ۱۳۹

و البته این موضوع نیز درخور توجه است که وقتی خداوند برای ما نصرت و فتوحی را عنایت میفرماید نباید دچار غرور و خودبینی شویم و الطاف بیحد وی را به فراموشی بسپاریم.

31- و در اخیر این که، هر فرد شامل جماعت باید خویشتن را به زیور اخلاق حسنه که اسلام بدان دعوت میکند، آراسته و از هرگونه اخلاق ناپسندی که ما را از آن برحذر میدارد؛ پرهیزد. در این مورد به ذکر عباراتی از امام شهید اکتفا میکنم که خطاب به جوانان میفرماید:

«ا ی جوانان! زمانی ایده های تان تحقق می یابد که بدان ایمانی قوی و در راهش اخلاصی فراوان داشته و آماده گی برای حماسه آفرینی و تحمل قربانیها و عمل در راه پیاده ساختن آن به کثرت در شما موجود باشد.

این ارکان چهارگانه یعنی ایمان، اخلاص، حماسه و فعالیت از ویژه گیهای جوانان به شمار میرود، چرا که اساس ایمانی قوی؛ قلبی با صفا، اساس اخلاص؛ دلی پاکیزه، اساس حماسه؛ شعور و احساس قوی و اساس عمل؛ اراده یی جوانمردانه است و تمام این خصوصیات در جوانان یافت میشود و از همین روست که از قدیم الایام تا به حال در هر امتی فقط جوانان ستون قیام و نهضت و سر توانایی و قدرت آن به شمار رفته و برای هر تفکری، حاملین پرچم آن محسوب میگرددند:

﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ (الکف: ۱۳)

(آنان جوانانی بودند که به رب خویش ایمان آوردند و ما بر هدایت شان افزودیم.)

آداب و امور دو جانبه میان رهبر و افرادش

1- احترام و قدردانی :

میان رهبر و سربازان دعوت باید علاقه احترام متقابل - بدون در نظر داشت تسلط و یا ضعف یکی نسبت به دیگری - برقرار باشد؛ احترام و تقدیریکه خاص در جهت کسب رضای خدا و ناشی از شعور

هر یک از طرفین به این حقیقت باشد که حسن معامله با طرف مقابلش گامی در جهت عبودیت و تقرب هر چه بیشتر وی به پروردگار بزرگش محسوب میشود. لهذا سرباز مسلمان به رهبر خود احترام میگذارد و از وی تقدیر به عمل می آورد چون او به عنوان رهبر رمز قوت و وحدت جماعت شناخته میشود و حدیث نبوی در این باره ما را چنین یاری میرساند:

« مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ أَطَاعَ أَمِيرِي فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَى أَمِيرِي فَقَدْ عَصَانِي »^۱

و همچنین برای رهبر نیز ضرور است که قول جناب حضرت ابوبکر صدیق (رض) را برایش سرلوحه قرار دهد جایی که میفرماید: «لقد وليت عليكم و لست بخيركم...» و بدین ترتیب مسئولیت خود را در برابر پیروانش درک و ادا نماید. بلی و بدین گونه در یافتیم که کار در جماعت ما در مقایسه با سایر شرکتها و مؤسسات رسمی که در آن رابطه میان رئیس و افراد زیر فرمانش بر اساس تملق، نفاق و یا تسلط و استبداد است، کاملاً متفاوت و متباین میباشد.

2- ادب صحبت و گفتگو:

گفتگو و صحبت میان رهبر و سربازانش در باره امور دعوت امری

¹ - صحيح البخاري - (22 / 42) عن ابي هريره]

بدیهی می باشد که از آن چاره و گریزی نیست ، پس برای جانبین رعایت آداب گفتگو طوری که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) به ما تعلیم داده اند ضروری و لازمی است. لهذا متکلم باید به جانب مخاطبش روی آورده و الفاظ را با وضاحت و صوتی متناسب که باعث اذیت شنونده نشود به سمع وی برساند. البته باید توجه داشته باشد که از کاربرد الفاظ رکیک و همچنین غیبت و سخن چینی نیز احتراز نماید. شنونده نیز بایستی به جانب متکلم روی آورده و کلامش را تا وقتی که ختم نشود قطع نکند. جانبین باید از جدال و مراء پرهیز کرده و فقط به حصول خیر و حق بیاندیشند و هر یک طوریکه بر صحت نظر خویش معتقد است، امکان اشتباه آن را نیز از نظر دور نداشته باشد.

3- اعتماد متقابل و حسن ظن :

از ضروری ترین اموری که درستی روند کار جماعت را تضمین میکند اعتماد متقابل و کمال حسن ظن رهبر و سربازان وی است. این اعتماد باعث ایجاد چنان فضایی از همکاری صادقانه میگردد که میتواند که مطالبات دعوت را برآورده سازد، اما برعکس اگر سوء ظن و بی اعتمادی جایگزین آن گردید انعکاس آن در میدان فعالیت و همکاری جماعت چیزی جز ضعف و به تعویق افتادن اهدافش نخواهد بود. بنابر این توجه داشته باشیم که اصل، رعایت دستور الهی در این باره است که میفرماید :

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اجْتَنِبُوْا كَثِيْرًا مِّنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ وَلَا تَحْسَبُوْا

يَتَقَبَّ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾ ﴿الحجرات: ١٢﴾

(ای مومنان! از گمان بسیار، پرهیزید چرا که بعضی از گمانها گناه است و تجسس نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ و شما از آن بد میباید! و از الله پرهیزید که الله توبه پذیر و مهربان است.)

4- تبادل نصیحت میان رهبر و سپاهیان :

از آن جاییکه ما انسانیم و نقص و عیب با سرشت ما عجین میباشد، لذا برای مسلمین واجب است تا در صورت مشاهده نقص و عیبی در همدیگر، آن را به هم بنمایانند چرا که (الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنُ).

همچنین از صفات نیک مومنین توأسی به حق و صبر است. در همین راستا واجب است که جهت استحکام کار و رفع نواقص و اشتباهات، مسئولین بلند پایه دعوت هم از این توصیه های ارزشمند بهره مند گردند و همچنین سربازان دعوت نیز از نصیحت قائد و مسئول خود نباید دچار دلتنگی شوند بلکه شایسته است تا نصیحت را با سعه صدر و علاقه مندی به خیری که از آن عاید دعوت و شخص خودشان میشود، بپذیرند. این حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از قول تمیم الداری [راجع به نصیحت بسیار معروف است :

« الَّذِينَ النَّصِيحَةُ قُلْنَا لِمَنْ قَالَ لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ »¹

(همانا دین نصیحت است. گفتیم: برای چه کسی؟ فرمود: برای الله و برای کتاب و رسولش و برای پیشوایان مسلمین و عموم شان.)
البته قابل ذکر است که مراعات آداب ادای نصیحت و حسن انتخاب شرایط و روشها، نیز بسیار ضروری است که در این جا به ذکر دو اصل اساسی که از اولویت برخوردارند بسنده میکنم.
نخست این که: نصیحت را به کاملترین وجه ادا کنیم و به هر شکلی که هست آن را بپذیریم.

دو دیگر این که: توجه داشته باشیم هر کس به نصیحت برادرش در خفا پرداخت، به راستی که حقش را ادا و او را گرامی داشته است، اما هر کس به انجام این کار به طور علنی مبادرت ورزید در حقیقت برادرش را خوار و مفتضح ساخته است!

و حال در مقام مقایسه وقتی ما مؤسسات رسمی را مورد مطالعه و بررسی قرار میدهیم، ملاحظه میکنیم که افراد زیر فرمان، هیچگاه جرئت نصیحت و تنبیه رئیس را به خاطر خطای که از وی سر میزند به خود نمیدهند و از رنجش رئیس و عکس العمل او سخت میهراسند و از جانب دیگر متوجه میشویم که وقتی مدیر میخواهد مادونش را

1 - صحیح مسلم - (1 / 182)

اندرزی بدهد، بدون رعایت آداب آن در حضور دیگران به این کار اقدام نموده، خشم و غیظ جانب مقابل را بر می انگیزد.

اما در میدان دعوت وقتی آداب اسلامی در ادای نصیحت مد نظر گرفته میشود و این کار برای تقدم مصلحت دعوت بر اعتبار شخصی افراد صورت میپذیرد؛ وضعیت غیر آنیست که در بالا به ذکرش پرداختیم و علت آن است که در این جا هدف از انجام نصیحت در حقیقت نقد سازنده یی است که برای بهبود کار دعوت و بهره برداری زیاد از آن صورت میگیرد و بر این اساس میبینم که سرباز دعوت از تقدیم این نقد با ارزش به قائدش خودداری نمیکند و رهبر نیز تا وقتی این کار از کانالها و مجراهای قانونی خود به انجام میرسد آن را میپذیرد و افراد را نه تنها از آن باز نمیدارد بلکه به انجامش تشجیع نیز میکند⁰

5- تبادل محبت و عاطفه برادرانه:

برادری و محبت برای خدا از جمله لازمترین اموریست که باید عموماً در بین تمام برادران و خصوصاً میان رهبر و سربازانش وجود داشته باشد.

اخوت خدایی از اساسات دین ما و از جمله اصول کار جمعی و رکنی از ارکان دهگانه بیعت میباشد که پایین ترین مرتبه آن سلامت صدر و بالاترین آن ایثار و فداکاریست. محبت و اخوت اسلامی فضایی

از همکاری ثمربخش در جهت بهبود کار دعوت را ایجاد کرده و همچنین به افزایش چنان اعتماد نیرومندی می انجامد که میتواند جلو تمام دسایس شیطان و پیروانش برای ایجاد هر نوع اختلاف، فرقه گرایی و تنازع میان رهبر و افرادش را سد نماید. باید در نظر داشت که خطرناکترین دردی که بر کار و فعالیت اسلامی تأثیر سوء و ناگواری را به جای میگذارد، درد تفرقه و اختلاف خصوصاً در این برهه حساس است که دشمنان اسلام در جنگ با مسلمین دست تعاون و همکاری همه جانبه را به هم داده اند.

بناء برای رهبر و سربازان دعوت لازم و ضروریست که برای ازدیاد محبت و اخوت اسلامی و تقویت این رابطه مقدس بر اساس هدایات اسوه حسنه بشریت (صلی الله علیه وسلم) در میان شان به تلاش جدی پردازند؛ هدایاتی که بخشی از آن مواردی همچون عمومیت بخشیدن سلام، گفتار نیک، خوشرویی، هدیه دادن، دیدار نمودن، سلامت صدر و همچنین عفو و احسان و عدم تسامح در برابر وسوسه های است که منجر به تغییر منفی نفس گردیده و در نتیجه باعث پیدایش سوءظن، غیبت و عدم وضاحت کافی میشود.

خداوند متعال (جل جلاله) در قرآن مجید ما را چنین خطاب

میفرماید:

﴿وَقُلْ لَّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمُ الْبَغْضَاءَ﴾
 کَانَ لِلْإِنْسَانِ عَذْرًا مِّمَّا كَفَرَ ﴿٥٣﴾ الإسراء: ۵۳

(و به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می‌زند زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است) البته در روندکار دعوت احیاناً چنین اتفاق میافتد که روی کدام مسأله‌یی میان رهبر و افرادش اختلاف نظری به وجود آید و در چنین هنگامی هر دو جانب باید بکوشند که اختلافات رأی - خدای نخواستہ - به از میان رفتن محبت ذات البینی شان نینجامد و این مشکل براساس لوایح و مقررات، بعد از توحید نظرات برطرف گردد. به این صورت است که از استمرار اختلافاتی که موجب پیدایش تغییر منفی در نفوس خواهد شد جلوگیری میشود. البته این به این معنی نیست که وفرت حب و عاطفه به سهل انگاری رهبر در قبال محاسبه اعمال و مسئولتهای افراد زیر فرمانش منجر شود و یا این که سرباز دعوت از این عاطفه و محبت سوء استفاده کند و با توجه به عدم سختگیری و توجه رهبر نسبت به تقصیراتش در کار و وظیفه خویش دچار سستی و اهمال گردد.

6- ارتباط مستحکم و آسان میان رهبر و پیروانش :

طبیعت کار جماعت ما ایجاب ارتباط محکم و سهولت در نحوه برقراری آن میان رهبر و سربازان را میکند. ضرورت به این کار برای تبادل نظر و توحید مواقف در برابر حوادث و همچنین تبادل مشوره و نصیحت، توجیه و القای تعلیمات و پیشبرد سایر امور و نیازمندیهای

کار اسلامی ما شدیداً احساس میشود. به همین اساس وسایل اتصال و ارتباط با رهبر در حکم اعصاب برای جسم محسوب میگردد که اگر این ارتباط و وسایلی ضعیف و کمزنگ باشند، در نتیجه کار جماعت به تباهی و نابودی کشانده خواهد شد. بناءً برای هر دو جانب ضروریست که جهت نیرومندی و استحکام هر چه بیشتر این رابطه دو جانبه، تمام سعی و تلاش خود را به خرج دهند و برای دفع و رفع موانع از مسیر، دست در دست هم بگذارند. البته باید این نقطه را از نظر دور نداریم که گاهی تراکم مشکلات رهبر مانع برقراری ارتباط با سایر مسئولین میگردد اما از آن جاییکه مسئولیت در جماعت ما مشترک است در چنین وضعیتی سایر نیروها موظف به برقراری رابطه و استمرار آن با رهبر خود میباشند.

7- آماده گی برای مبادله و ظایف و مسئولیتهای میان رهبر و پیروان: هر رهبر یا مسئولی باید آماده گی داشته باشد که در صورت استعفا یا برکناری از مسئولیتش، با قرارگرفتن در صفوف سربازان دعوت با کمال رضامندی و سلامت صدر از وظیفه جدید خود استقبال کند و بدون دلتنگی و ناراحتی و یا کناره گیری و سایر موضعگیریهایی منفی به کار خویش مشغول شود. وی باید توجه داشته باشد که کار جماعت در هر پست و مقامی عبادت محسوب میشود، مقبولیت و ثواب آن به مقدار اخلاص و جهد انسان بستگی دارد و همینطور هر جایگاه فعالیت در جماعت ما در واقع مرز و سنگریست که پاسداری از

آن واجب و لازمی است. و همچنین بر چنین برادری لازم است که دستورات مافوق خود را بدون تردید و وسوسه شنیده و اطاعت نماید و هرچند که شخص مافوق از افراد زیر فرمانش نیز بوده باشد.

آری! به همین ترتیب سرباز دعوت نیز باید خود را جهت پذیرش مسئولیت قیادت و امانت‌های آن آماده نگه دارد تا در صورتی که برایش پیشنهاد قبول مسئولیت صورت گرفت با توانمندی و کفایت لازم و در کمال شایستگی بتواند وظایف خود را به انجام برساند. در همین راستا هر رهبر و مسئولی موظف است که افراد زیر فرمانش را برای حمل بار قیادت آماده سازد تا اگر جایگاه وی به یکی از علل خالی ماند، آنها شایستگی لازم را برای پذیرش مسئولیت داشته باشند. لذا هرگاه رهبر در میان سربازانش کسانی را یافت که توانایی قیادت را دارند باید احساس خوشحالی و افتخار نماید.

رهبر نباید چنین احساسی داشته باشد که به طور دایم در پست قیادت باقی ماند و فقط اوست که برای این امر شایستگی و لیاقت دارد و نیز برای سرباز دعوت شایسته نیست که بیاندیشد او جز سربازی، شایستگی احراز مقام دیگری را ندارد بلکه باید او نیز خود را برای پذیرش رهبری به گونه ای آماده سازد که اگر بدان فرا خوانده شد اجابت نموده و توان حمل آن را داشته باشد.

8- نزول یا عدم تردید در برابر حکم خدا و پیامبر:

از جمله اموری که رهبر و سربازانش باید مساویانه در جهت ازدیاد آن کمرهمت بندند، آماده گی کامل برای پذیرش دستور خدا و پیامبر بزرگوار اسلام بدون تردید و تکبر در تمام اوقات خصوصاً در هنگام بروز اختلافات است. این کار هر نوع اختلاف پیش آمده در مسیر دعوت را از میان میبرد، طوریکه الله (جل جلاله) میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ ﴿٩١﴾ النساء: ٥٩

(این مومنان! از الله و رسول و صاحبان امر خود اطاعت کنید و اگر در موردی با هم منازعه کردید، حکم آن را به الله و رسولش بازگردانید اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید. این بهتر و بهترین اولویت است.) و در آیتی دیگر:

﴿فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ ﴿٦٥﴾ النساء: ٦٥

(نه قسم به پروردگارت که مومن نیستند تا تو را در مشاجرات ذات البینی خود حاکم بسازند و به حکم تو قلباً راضی و تسلیم باشند)

و در آیه دیگر:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾ ﴿٣٦﴾ الأحزاب: ٣٦

(برای هیچ زن و مرد مومنی شایسته نیست که وقتی الله و رسولش امری را فیصله کردند او برایش در مقابل آن فیصله اختیاری قایل باشد)

و همچنین لوایح و مقرراتی که برای بهبود کار وضع شده است نیز میتواند ما را در جهت حل اختلافات مان یاری برساند چرا که لوایح و مقررات ما به گونه ای پی ریزی شده است که با نصوص و اصول اسلامی هیچ گونه مغایرتی ندارد.

چیز دیگری که برای قیادت و سربازان دعوت توصیه میگردد آموختن فقه امور دینی در حد توان و استطاعت است. آشنایی با فقه باعث تبیین حق در پرتو کتاب الهی و سنت نبوی میگردد و از هرگونه انحراف و خطا در اثنای حرکت جلوگیری به عمل آورده و در هر زمینه ای در میدان دعوت رهگشای دعوتگران خواهد بود.

9- شناخت حرکتها و رشد پختگیها:

برای قیادت و سپاهیان ضروری است که حرکتهای اصلاحی جدید و قدیم را مورد مطالعه دقیق قرار دهند و نسبت به نکات ضعف و قوت آنها شناخت و معرفت کاملی به دست آورده و سپس در میدان دعوت از نکات مثبت استفاده و از جنبه های منفی آن احتراز نمایند. و همچنین جانبین باید اطلاعات دقیقی راجع به حرکتهای ضد اسلامی قدیم و جدید به دست آورند و از پروگرامها و اهدافشان باخبری کاملی

داشته باشند تا برای جلوگیری از دسایس شان بتوانند در موقع مناسب اقدام مقتضی نمایند. و در اخیر این که برای رهبر و سربازان، ضروری است که به دسته بندی مردم اطراف خود پردازند تا بدین وسیله دوست را از دشمن باز شناخته و در مقابل هریک موضع درخور آن را اتخاذ کنند.

نظامنامه ها و لوايح

در مباحث گذشته برای تضمین درستی روند کار دعوت از معانی اساسی و ضروری که در میدان دعوت برای رهبر و پیروان او و یا به طور مشترک برای هر دو جانب التزام بدان ضروری به نظر میرسید، نکاتی را به عرض رسانیدیم. ما این کار را خاصتاً برای جماعتهای انجام دادیم که از نظر محتوا همانندی کاملی به جماعت ما دارند و عموماً میتوان گفت که برای گسترش ابعاد عمودی و افقی فعالیت اسلامی و زیر پوشش قرار دادن تمام ساحه اسلامی و حتی جهانی بدین کار مبادرت ورزیدیم. چنانکه میدانید امروز فروع عمل اسلامی و میادین آن متنوع گردیده و ما جهت بسیج تمام قوتها و کفایتها به خاطر تحقق اهداف دعوت مان و نیز ایجاد حسن اداره و تنظیم و پیگیری بهتر امور چاره جز پیمودن این راه نداریم.

مطلب قابل ذکر دیگر این است که گرچه در حقیقت اساس پیروزی ما را طوری که پیشتر نیز گفتیم اخلاص، محبت، تفاهم، تعاون و مشارکت در مسئولیت، داشتن احساس مسئولیت و غیره امور

ضروری تشکیل میدهد، اما با آن هم از داشتن نظامنامه ها و لوایحی که بتواند کار را منظم و تخصصها را مشخص نماید، چاره ای نیست؛ نظامی که بتواند درستی روندکار را تضمین نماید و از انحراف، خلل و عدم نمو و رشد آن جلوگیری کند.

حال به علت اهمیت این نظامنامه ها و لوایح در میدان عمل دعوت، می پردازیم به ذکر بعضی از معانی و ملاحظات که مراعات آن برای رهبر و پیروانش ضروری و الزامی است، ان شاء الله که مورد استفاده قرار خواهد گرفت:

در هنگام وضع لوایح و مقررات اصل بر این است که این لوایح در چهارچوب مبادی اسلامی باشد و هیچ ماده و بندی با اصول و ارزشهای دینی ما در تعارض قرار نداشته باشد. همچنین باید به سیره و طرز دعوت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و جماعت نخستین مسلمانان برای اقامه حکومت اسلامی و بعد از ایشان به سیره خلفای راشدین المهدیین در هنگام وضع لوایح توجه جدی صورت گیرد.

باید در نظر داشت که مقررات و لوایح وسیله ایست برای تنظیم کار که در روشنایی تجربه و در عرصه تطبیق عملی قابلیت تعدیل را داراست. بناءً جهت تحقق کاربست نسبی آن و تضمین درستی روند کار نباید این لوایح چنان در معرض تغییر قرارگیرد که کارآیی را از آن باز ستاند و یا آن گونه دچار جمود گردیده باشد که به خاطر دشواری

تعدیل، حرکت جماعت را به تعویق افکند. پس برای این منظور بایسته است تبصره های در بند های مختلفش موجود باشد تا کیفیت تعدیل را به گونه مشخص سازد که هم از کثرت تغییر و هم از جمودی که به تعویق کار می انجامد جلوگیری نماید.

مقصد دیگر از وضع لوایح و مقررات مشخص نمودن نهادها و مراکز شوارایی، اجرایی، قیادی و دیگر مراکزی است که میان جماعت را تشکیل میدهند، نهادهای که وظیفه پیشبرد جانب عملی حرکت را به دوش داشته و برای رفع اختلافات به آنها مراجعه میشود.

از اهداف دیگر این لوایح و نظامنامه ها مشخص کردن عرصه های فعالیت و فراهم ساختن امکانات تنظیمی مورد نیاز و همچنین تلاش برای ازدیاد تخصصها و پختگیهای لازم در هر بخش به گونه ای است که قسمت اعظم تواناییهای بشری و تجاربش در روشنایی برنامه ها مشخص گردد و بعد از تعیین روشهای اجرایی آن، در خدمت دعوت قرار داده شود.

لوایح از تداخل تخصصها که گاهی به آشفتگی و تعطیل کارها می انجامد و یا از تکرار تلاشهای صرف شده در یک جهت که ممکن به زیان جانب دیگر منجر شود جلوگیری مینماید.

لوایح، آسانترین و کوتاه ترین راه برای حل و فصل اختلافات در میدان فعالیت را به ما عرضه میدارد. این کار بدینسان انجام میشود که اولاً مجموع نظرات به جهتی که بتواند مشکل را حل نماید رهنمایی

گردیده و بدین صورت نظرات مخالف در آن جا از خود کدام اثر منفی بر جای نمی گذارد. البته باید توجه داشته باشیم که ممکن است گاهی چنین اتفاق بیافتد که در انتخاب مورد غیر احسن، اتفاق صورت گرفته و همه آن را تأیید نمایند، باید دانست که چنین حالتی بهتر از آن است که برای انتخاب بهترین مورد، صف جماعت دچار تفرقه و اختلاف گردد، چرا که در سابقه وحدت و همبستگی ممکن است که بعداً بتوانیم به مورد بهتر دست یابیم.

لوايح ميتواند اجرای محاسبه در مورد هر خطا و تقصیری را به خاطر بهبود روش فعالیت تضمین کند و از هرگونه لغزش و پیامدهای ناگواری که از اثر تکرار آن مرتب می‌گردد، جلوگیری نماید. از آن جایی که عدم محاسبه خطر بزرگی را متوجه جو فعالیت، بهره برداری و استحکام کار می‌سازد، این لوايح است که از سرایت روح لامبالاتی و بی خیالی به سبب عدم انجام محاسبه در میان افراد، جلوگیری به عمل می آورد و در حالیکه حقوق محاسبه کننده و خطاکار را در نظر دارد، تمام افراد را بدون استثنا در برابر خود تسلیم و خاضع می‌سازد.

لوايح و مقررات، شروط و مواصفات لازم برای هر مستوی از مسئولین جماعت را مشخص و معین می‌سازد و بدین ترتیب تا حد زیادی به انتخاب مناسبترین فرد در جایگاه مناسب کمک میکند و نقاط ضعف جماعت را از میان میبرد.

جهت تضمین حسن انتخاب اعضای مراکز مختلف جماعت، لوايح و مقررات، روشهای درستی را معرفی میکند تا بدان وسیله انتخاب افراد مطابق اسلوب دیگر احزاب سیاسی فقط با در نظر داشت جنبه های حزب گرایانه و چشم پوشی از کفایت و صلاحیت شان صورت نگیرد.

لوايح اصل شورا را طور درست تحقق میبخشد و آن را در تمام سطوح کار و سازماندهی راه میدهد.

از امور لازمی دیگری که در هنگام وضع مقررات مراعات آن ضروریست در نظر گرفتن نرمی و انعطاف نسبی لوايح است تا به افراد جماعت امکان حرکت آسانتر برای بهبود کار و موفقیت را مساعد سازد. لهذا نباید شروط و قیود زیادی خصوصاً در مورد جزئیات و فروعات کار وضع شود. البته این بدان معنی نیست که امور خاصاً کارهای اساسی و حیاتی را بدون داشتن ضوابطی به حال خود وا گذاشت.

در لوايح و مقررات باید موافقت و هماهنگی میان مرکزگرایی محض و عدم مرکزگرایی (نهادهای) مراعات شده و طوری نباشد که نظام کاری، از اثر مرکزگرایی شدید روند حرکت را مقیدساخته و یا به تعویق مواجه سازد؛ و یا اینکه به گونه یی روحیه گریز از مرکز بر آن حاکم شود که باعث فاصله زیادش از نهادهای رهبری گردد. پس بهتر آن خواهد بود که برای بخشها و شعبات در امور فرعی و دایره محدود،

آزادی عمل و حرکت داده شود ولی در امور اساسی بی که میتواند روی منهج عمومی جماعت اثرگذار باشد دقت و توجه زیادتری صورت پذیرد. این کار زمانی اهمیت زیادتر می یابد که ساحه کار و فعالیت جماعت وسیع گردد و اقطار و ملتهای مختلفی را در برگیرد که هر یک دارای خصوصیت های محلی ویژه خود اند.

لوايح راه های اتخاذ تصاميم در مراکز مختلف جماعت را مشخص میسازد و ضمانت های کافی را برای دقت، درستی و عدم تاخیر آن از وقت مناسب وضع میکند. پس باید در لوايح عدم موجودیت قیود و سختگیریهای فراوانی که میتواند اتخاذ تصاميم را به تعویق اندازد مورد توجه قرار گیرد و البته این در حالیت که بایستی کارها بدون در نظر داشت ضمانتها به خاطر محافظت از درستی تصاميم از نگاه دقت و مشروعیت، به حال خود رها نگردد.

در اخیر این بحث گفتنی است که تا وقتی ما برای رضایت الله، در جماعت خود دست به کار و تلاش در میدان دعوت میزنیم و مزد خویش را فقط از خدای لایزال انتظار داشته و در راه رضای او گام برمیداریم، باید التزام و پایبندی به لوايح و مقررات جماعت را نیز امری تعبدی پنداریم، چرا که در واقع التزام ما، امر خیری است که منجر به بهبود کار دعوت میگردد و برعکس مخالفت با لوايح از جمله ضررهای است که به جماعت وارد شده، گناه و معصیت را در پی خواهد

داشت.

در باره اداره جلسات

طبیعت کار جماعت مستلزم برگزاری جلساتی به سویه های متفاوت در سطح رهبری، اراکین و یا سایر بخشها بر حسب میادین مختلف کاری جماعت است.

در این جلسات راجع به قضایای متعدد و مرتبط با کار جماعت بحثهای صورت میگیرد و بعد از تبادل نظر، بهترین تصمیماتی که اهداف مورد نظر را متحقق سازد، اتخاذ میگردد. لهذا چنین جلساتی که در آن خطوط اصلی کار ترسیم، شده، وسایل مشخص میشود و بعد از مباحثه و مناقشه ارزش یابیها صورت میپذیرد، دارای اهمیت به سزایی است.

اما اداره این جلسات چنان فن دقیق و امری حیاتیست که موفقیت جلسات یعنی دست یابی به هدفی که در جستجوی آنیم منوط به آن میگردد و چه بسا که به علت سوء اداره، جلسه جز ضیاع وقت، عدم دستیابی به نتیجه مطلوب و مشغولیت به موضوعات خارج بحث اصلی، دیگر دست آوردی نداشته و حتی احیاناً به بروز اختلافات عمیق درونی در میان افراد شامل جلسه نیز منجر گردد. پس لازم دیدیم که به موضوع اداره جلسات پرداخته و به ذکر بعضی از ملاحظات و توصیه های مبادرت ورزیم که برای حسن اداره آن مفید است، امید که - ان شاء الله - به خیر منجر شده و مفید واقع گردد.

1- به لحاظ این که کار ما در میدان دعوت کاری است عبادی، تدویر جلسات نیز برای ما عبادتی است که به وسیله آن رضای الله (جل جلاله) را میجوئیم. لهذا باید مانند سایر عبادات، با کمال اخلاص و نیتی پاک و در فضایی آکنده از آرامش و حضور قلب و سایر ملزومات به جلسات روی آریم تا بدین وسیله زمینه قبول عبادت خود را مساعد کنیم و از هرگونه آلوده گی که آن را فاسد و یا اجر آن را حبطه نماید، خود را دور سازیم.

2- خوب است که آغازین لحظات جلسه به مدت پنج دقیقه با ذکر الله و پناه جستن از شیطان و با ابراز کلماتی که محتوای آن تذکر، نصیحت و توصیه ای راجع به آداب صحبت و مناقشه و جستجوی حق و خیر باشد، همراه گردد.

3- مورد دیگر، اهمیت مطالبی است که در جلسات مطرح بحث میگردد تا از آن نتیجه مطلوب به دست آید. بناءً برای برگزاری جلسات نیاز به آماده گی کامل قبلی است تا در زمان و مکانی معین که همه بر آن اتفاق داشته باشند، دایر شود و از خلال آن نتیجه مطلوب بدون تأخیر و معطلی حاصل گردد.

4- بسیار ضروری است که دقت لازم برای تعیین وقت و مکان جلسه و نیز اطلاع افراد صورت گیرد و بدین ترتیب از عدم حضور افراد در جلسه به علت کدام اشتباه و یا سهل انگاری جلوگیری شود.

تکمیل نشدن نصاب لازم افراد، فرصتهای مناسب، جهت اتخاذ تصمیم درست را در وقت مناسب از میان میبرد و برعلاوه وقت و تلاش حاضرین جلسه را ضایع و برباد میسازد.

۵- افراد باید حرص شدیدی برای رسیدن به موقع در جلسات داشته باشند و از تخلف و عدم حضور در وقت معینه جداً پرهیز نمایند، مگر در صورتی که عذری بسیار موجه داشته و قبلاً به مسئول خویش اطلاع داده باشند.

افراد متخلف بدون عذر مقبول باید مورد محاسبه قرار داده شوند در غیر آن هرگونه اهمال و سستی در محاسبه، جوی از تساهل و بی مبالاتی را برای حضور به موقع در جلسات، به وجود می آورد، برگزاری آن را به تأخیر می اندازد و وقتش را تنگ میسازد.

۶- هرگاه برای برگزاری جلسه تصمیم گرفته شد باید زمان شروع و ختم آن را معین نماییم تا هر فرد وقت و کار خود را به همان تناسب منظم کند. تجاوز از وقت مقرر کاری ناپسند است مگر آن که به علت اهمیت موضوع و پایان بخشیدنش به وقت کم اضافی، نیازی احساس شود.

۷- موضوع با اهمیت دیگر، مشخص کردن موضوعات قابل طرح در جلسه میباشد. واضح است به هر اندازه که اطلاع قبلی در باره موضوعات مطروحه وجود داشته باشد به همان مقدار آراء پختگی می یابد و همچنین التزام به آن مراعات گردیده و از دایره آن خروجی

صورت نمی پذیرید، مگر آن که ضرورتی مبرم باشد.

8- مسئول جلسه موظف است راجع به وقت آن توجه خاص داشته باشد تا در خلال وقت محدود، جلسه به تمام موضوعات مندرج در لست، کماحقه رسیده گی شود. دیده شده است که بسیاری اوقات موضوعات اولی مندرج در لست، زیاد تر وقت جلسه را در بر میگیرد و به علت ضیق وقت سایر مطالب با چنان سرعتی مطرح میشود که حقتش ادا نشده و یا به تعویق می افتد. به هر حال این تعویق و تعجیل هر دو نادرست و دارای ضررهای بیشماری برای کار دعوت است.

9- مسئول جلسه باید گفتگوها را هنگام مناقشه برادران به صورت حکیمانه دسته بندی نموده و با برجسته ساختن نکات جالب و با اهمیت آن، حق را واضح و راه را برای اتخاذ تصمیمی مناسب در وقت محدود جلسه هموار سازد.

10- بایسته است که مسئول جلسه به ضرورت ترکیب و اختصار نظرات ملتفت و آگاه باشد به این معنی که از مطرح شدن موضوعات تکراری جهت حفاظت وقت جلوگیری کند تا دیگران نیز فرصتی برای ابراز نظر خود داشته باشند و همچنان متوجه باشد که بحث از موضوع اصلی به صوب مسائل فرعی و جانبی کشیده نشده بلکه مباحث بر روی اصل موضوع متمرکز باشد. این کار قاطعیت کامل مسئول را ایجاب مینماید و برای هیچک از حاضران جایز نیست که وقتی از

طفره رفتن باز داشته میشود، ناراحت و یا خشمگین گردد. بدیهی است که هرگونه سهل انگاری در این زمینه به ضرر جلسه و دعوت تمام خواهد شد.

11- در جلسات نباید افراد صحبت های یکدیگر را قطع کنند. قطع سخن مردم از جمله آداب گفتگو نیست و ممکن به قطع رشته افکار متکلم منجر شود و احیاناً خشم و عکس العمل آنی فرد را برانگیزد و دروازه را برای ورود شیطان جهت ایجاد فساد در جلسه باز گذارد، واضح است که در چنین فضایی وصول به حق مقدور نیست و یا دست یابی به آن بسیار مشکل خواهد بود.

12- کسی که خواهان صحبت یا تعلیقی بر صحبت شخصی دیگر است باید دستش را بلند کند تا نامش در لست منتظرین به ثبت برسد. چنین شخصی میتواند ملاحظاتش را در ورقی نوشته و در فرصت مناسب آن را در جلسه مطرح سازد.

13- در هنگام صحبت باید توجه داشته باشیم که آداب اسلامی را مراعات کنیم و کلماتی را به زبان نیاوریم که در آن تجریح و یا غیبت کسی مطرح باشد و اگر از جانب کسی نسبت به شخصی دیگر، کدام جسارت و بی ادبی صورت گرفت، این شخص نباید غضبناک شود و به مقابله وی برخیزد چرا که شخصیت هایمان نباید فوق مصلحت دعوت تبارز کند و جو جلسه را طوری فاسد سازد که تحقق اهداف را ناممکن نماید؛ البته این در حالیست که میشود با تسامح عفو و گذشت، فضای

مبارکی را ایجاد کنیم. البته دست مسئول جلسه نیز برای تنبیه خطاکار کاملاً باز است.

14- شخص نباید بر صحت رأی و نظر خویش طوری اصرار ورزد که گویی فقط نظر وی در عین صواب است و بس. او باید در نظر داشته باشد که ممکن نظرش به خطا بوده و رأی دیگران به صواب نزدیکتر باشد. همچنان هیچک از افراد نباید به علت عدم پذیرش و قبول نظرش ناراحت گردد و بر همه لازم است که به رأی مورد اتفاق التزام کامل نشان دهد و از صحبت در باره دیگر نظریات بعد از فیصله پرهیز کنند.

15- برادر ما باید امانتهای جلسات را محافظت کند و جز موارد متفق علیه صحبتی در جایی به میان نیاورد.

16- چیز دیگری که لازم است مورد توجه قرار گیرد جلوگیری از امتداد جلسه و گفتگوها برای مدت طولانی است. به طول انجامیدن جلسه، ذهن را خسته میسازد و به تکلیف می اندازد که این وضعیت به عدم تمرکز افکار منجر میشود و در نتیجه باعث عدم رسیدن به نظر صحیحتر میگردد. و همچنان دوام جلسه اعصاب را خسته میکند و ممکن به صدور الفاظی رکیک بیانجامد که باعث ایجاد مخالفت و نزاع شود و جو جلسه را فاسد نماید. لهذا هرگاه حالت موجود، ایجاب دوام بحث در موضوعی با اهمیت را نمود باید فرصتی برای استراحت و

تجدید نشاط و قوت برای افراد داده شود و بعد از آن جلسه به کار خود ادامه دهد.

17- باید توجه داشت که غالباً تصمیمات جلسات بعد از نظردهی عمومی اخذ میشود لذا دادن رأی و یا تأیید رای به وسیله صوت در ذات خود امانت و شهادتی است که صاحب آن در حضور الله نسبت به آن مسئولیت دارد پس باید هرگاه شخص میخواهد رأی یی را تصویب و یا رد کند الله را در نظر گیرد و تقوی را پیشه سازد، فقط در این صورت است که نتایج به دست آمده اثرات مثبتی را در روند حرکت و موفقیت کار- ان شاء الله - از خود بر جای میگذارد.

18- همچنین کسی که میخواهد شخصی را با تأیید به وسیله رأیش به یکی از پستهای مسئولیت و یا قیادت در جماعت منصوب سازد باید توجه نماید که این کار نیز امانت و شهادتی است که در آن مصلحت دعوت بدون تعارف و یا نظرداشت جنبه های ارتباط عاطفی با فرد در نظر گرفته شود و مناسب است که در این جا به حدیث رسول الله، اشاره کنیم که میفرمایند:

« من استعمل رجلاً من عصابة وفي تلك العصابة من هو أَرْضَى لله منه

فقد خان الله وخان رسوله وخان المؤمنین »¹

19- خواندن دعای مأثور در ختم جلسه باید رعایت شود

1 - المستدرك على الصحيحين للحاكم (16 / 345) عن ابن عباس

«سبحانك اللهم وبحمدك نشهد ان لا اله الا انت نستغفرک ونتوب اليك»
 20- قبل از ختم جلسه نتایج و تصمیمات اخذ شده به سمع حضار برسد و موعد و مکان جلسه آینده تعیین و مشخص شود.
 خاتمه:

در پایان، این سیاحت مرتبط به وظایف رهبران و سربازان دعوت را که از خلال تجربه و ممارست به دست آمده، به تمام آنانی که خداوند به ایشان توفیق عمل جمعی منظم در میدان دعوت اسلامی را عطا فرموده است تقدیم میکنم و از خداوند مسألت دارم که آن را با خیر و برکت برای کار اسلامی و عاملین صادق اسلام از نسلهای حال و آینده همراه سازد.

از خداوند میخواهم که حق را حق و باطل را باطل سازد و آرزوی بزرگ و دیرینه امت اسلامی یعنی اقامه خلافت اسلامی و بر پایی دولت جهانی اسلام را، که وسیله برقراری دین الله در زمین است تحقق بخشد؛ ﴿حَقَّقْ لَنَا كُونَ فَتَنَةً وَيَكُونِ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾
 و از بارگاه الهی عاجزانه مسألت دارم که به ما اخلاص و صدق، توفیق و ثبات در کار و اراده برای رشد و تعالی و رسیدن به جنت و نجات از دوزخ را عنایت فرماید که او بر هر کار توانا و به اجابت سزاوار است.